

مروری بر دانیال - وقایع ناخوشایند اتفاق می افتد ولی خداوند مددکار است - بخش اول

خداوند گر ز حکمت ببندد دری ز رحمت گشاید در دیگری



دانیال ۲،۱

طوفان شن مثل تازیانه بر صورتش نیش میزد همچون صدها سوزن که بر پوست فرو میروند. دانیال مکتی میکند و شنها را که با عرق پیشانی اش عجین گشته بر میچیند. شش هفته مبهم و نامعلوم پا کوفتن بر شنهای صحرا، خورشید بیرحمانه و خشن بر سر و گردنش با حرارت میتاباند. چشمانش تار گشته و سوسو میزند. تلو تلو میخورد و گاه بر زمین می افتد. بنظر میرسد این راه پایانی ندارد. آنان در سراب بیابان بی وقفه تکرار میکردند بابل همین روبروست. او امیدوار بود تا که این کابوس اسارت پایان رسد.

در خلال یک شب سرد کویری در حینیکه برای خود بستری در زیر ستاره های آسمان میگستراند خوابش نمیرفت و از ترس میلرزید و در خیال خود میپروراند که نبوکدنصر چه بر سر دوستان و خانواده اش خواهد آورد. بزودی در این ماهها صحنه های خوفناکی رخ خواهد داد. ارتش عظیم پادشاه نبوکدنصر، یهودیه را در خواهد نوردید. سربازان اورشلیم را به محاصره خود در خواهند آورد. عبرانیان سرفرو خواهند آورد و از فرط گرسنگی و ترس و نومیدی تسلیم خواهند شد. دژکوبان دروازه های شهر را خواهند شکست. موجی از لشگرهای سربازان پس از خرد کردن دروازه اصلی شهر بر شهر فرو خواهند ریخت. صداها و فریادهای دلخراش دوستان و اقوام که اسیر میشوند بگوش خواهد رسید و اجساد در سطح خیابانهای اورشلیم پراکنده خواهند گردید.

این تصاویر در افکار دانیال در هنگامی نقش میبست که او به همراه دیگر بنی اسرائیلیان در راه تبعید به اسارت برده میشدند.

خروس در سپیده دمان بانگ میزد بهنگامیکه از دهکده های مجاور میگذشتند و شیپورچیان بابل نیز در کنار آنان جار میزدند.

قبل از پاسخ دادن لطفاً دانیال ۲،۱ را بخوانید.

۱- دو کشور در زمانیکه دانیال به اسارت برده شد در گرو دار جنگ بودند: (دانیال ۱: ۲،۱)

یهودیه و یونان

یهودیه و بابل

یهودیه و روم

دانیال بیش از چند فرسخی را در تب و تاب سوزان بیابان طی نکرده بود و میبایست صدها فرسخ دیگر را با صندلهای فرسوده بسوی بابل طی کند.

بیش از هر چیز دیگر که در ذهن دانیال خطور میکرد سوالی بایستی وجود داشته باشد... چرا؟

اولین خود آموز کتاب مقدس مسیحیان به زبان فارسی

چرا این مصیبت؟ این فاجعه به خاطر چه چیزی بود؟ آیا او سزاوار چنین چیزی بود؟ خداوند از تحقیر بنی اسرائیل چه هدفی داشت؟ در یهودیه دانیال به خانواده ای تعلق داشت که هر چیزی را که تمایل داشت برایش آماده میساختند. او برگزیده بود و در اورشلیم آینده روشنی در انتظارش بود. و حال او هیچ نداشت. آینده تیره و تاریک بنظر میرسید. آیا او خواهد توانست دوباره وطن خود را ببیند؟ و دوباره خانواده و پدر و مادرش را ملاقات کند؟ آیا تمامی آینده اش تاریک خواهد بود و آیروزهایش را در اسارت در یک مملکت بیگانه بسر خواهد برد؟

۲- چرا دانیال و دوستانش به اسارت برده شدند؟ (دانیال ۱: ۳، ۴)

□ آنها قادر بودند که غرامت و جزیه پردازند.

□ آنها بر علیه دشمن شوریده بودند.

□ آنها پر از دانش و حکمت بودند. از نظر جسمی سالم و تعلیم پذیر بودند و توانایی خدمت در درباریک ارباب جدید را داشتند.

دانیال و سه نفر از دوستان صمیمی اش برای رفتن به مدرسه نبوکدنصر بجهت کارآموزی و خدمت در دربار امپراطوری بابل برگزیده شدند. مردان جوان از حق ویژه ای برخوردار بودند تا از غذاهای شاهانه استفاده کنند که در آشپزخانه دربار طبخ میشد. آموزش آنان توسط بهترین معلمین نخبه برای مدت سه سال دوره بطول میکشید و پس از دوره برای خدمت در دربار پادشاه حاضر میشدند. حد اقل برای دانیال غلامی بهتر از این بود تا اینکه در مزارع و یا مکانهای در دست احداث عرق بریزد.

اسامی سه نفر از دوستان دانیال که در اسارت گرفته شده بودند: (دانیال ۱: ۶)

□ حنیا و میثائیل و عزریا

□ ارمیا و حزقیال و عزریا

□ اشعیا و حجی و عزریا

اسامی جدیدی که به دانیال و دوستانش داده شد از این قرار بود: (دانیال ۱: ۷)

□ بلطشصر و شدرک و میشک و هوشع

□ بلطشصر و شدرک و میشک و عبدنعو

□ بلطشصر و شدرک و عبودیا و هوشع

اسامی بلطشصر و شدرک و میشک و عبدنعو بر اساس نامهای بتهای بابلیان داده شده بودند. این نامهای جدید بدین منظور به آنان داده شده بود که آن مردان جوان (میراث آبا و اجدادی و مذهبی) فرهنگ خویش را فراموش کرده و در زمره خدمتگزاران سلطنتی در آیند. و بر این فرض بودند که چنانچه بر آداب و تشریفات سلطنتی و در باری بر آیند پس از آن پادشاه سریعاً خواهد توانست قلب و فکرشان را تسخیر نموده و از بهترین مغزها در دنیا برای حکومت در دنیا استفاده کند.

اولین خود آموز کتاب مقدس مسیحیان به زبان فارسی

دانیال بزودی فهمید که غذاهای موجود در فهرست غذائی پادشاه ناسالم (مکروه و حرام) و بر خلاف دستورالعمل داده شده در کلام خداست.

دانیال برغم فرمان نبوکدنصر چه تصمیمی گرفت؟ (دانیال ۱: ۸)

□ او خود را با خوردن یا نوشیدن غذا و شراب پادشاه آلوده نخواهد ساخت.

□ او غذا و شرابی را که برای پادشاه تدارک دیده شده بود نخواهد خورد حتی اگر غذایی که برای بتها هدیه شده بود.

□ او قبل از خوردن غذای شاهانه و شراب از خداوند برکت خواهد خواست.

اکثر نوجوانان از اینکه از دیگران متمایز شمرده شوند خجلت زده میشوند. اکثر بزرگان نیز همچنین نمیخواهند که از سایرین جدا شوند. (خواهی نشوی رسوا هم رنگ جماعت شو). اما دانیال و دوستانش مصمم و با عزم راسخ و قاطع بودند. آنان تصمیم گرفته بودند که خداوند را بدون قید و شرط متابعت کنند. دانیال باور داشت که خداوند تصمیم او را بخاطر ایمانش محترم خواهد داشت و او را عزت خواهد داد. همانطور که میبینیم مرحله ای مهم در زندگیش اتفاق افتاده بود. وقتی به آنچه که درست است پاسخ میدهیم سپس روح القدس در انتخاب ما را هدایت خواهد نمود و همچنین او بما قدرت خواهد داد تا بر تصمیم خود استوار باشیم. دانیال چه درخواستی از ملذاز مباشر اعظم نمود؟ (دانیال ۱: ۱۲، ۱۳)

□ او درخواست نمودتا در مورد اینکه چرا او نباید آن غذا و شراب را مصرف کند به پادشاه توضیح دهد.

□ او از ملذاز خواست قبل از اینکه او غذا را دریافت کند آنرا برای بتها پیشکش نکنند.

□ او خواست تا به آنان ده روز غذاهای حلال دهند و فقط آب بنوشند.

وضعیت جسمی آنان پس از ده روز چطور بود؟ (دانیال ۱: ۱۵)

□ دانیال و دوستانش سالمتر بنظر میرسیدند و بر وزن آنان نیز افزوده شد.

□ دانیال و دوستانش مریض شدند و تصمیم گرفتند که بهتر است از غذای شاهانه استفاده کنند.

□ دانیال و دوستانش هیچ تغییری نکردند ولی احساس بهتری داشتند.

نتیجه روحی و فکری ده روز آزمایش خوراک چه بود؟ (دانیال ۱: ۱۷)

□ حافظه آنان بهتر از قبل نبود و آنان اطلاعات مهم فکری را فراموش کردند.

□ قوه ادراک آنان پس از ده روز آزمایش خوراک تغییری نمود.

□ آنان از دانش فراتر و مهارت در آداب و حکمت برخوردار بودند.

اولین خود آموز کتاب مقدس مسیحیان به زبان فارسی

دانیال از چه توانائی و قابلیتى برخوردار بود؟ (دانیال ۱: ۱۷)

□ توانائی شگفت انگیز حل مسائل پیچیده ریاضی.

□ او توانایی داشت تا لیست بلندی از اطلاعات را بحافظه بسپارد و آنان را برای سالیان سال بیاد آورد.

□ او میتوانست خواب و الهامات را بفهمد و تعبیر کند.

ده روز آزمون خوراک چه نتیجه سیاسی در بر داشت؟ (دانیال ۱: ۱۹، ۲۰)

□ دانیال و دوستانش منصوب شدند که پادشاه را خدمت کنند زیرا ثابت نمودند که از تمامی جوانانی که برای این منظور در نظر گرفته شده بودند سر ترند.

□ دانیال و رفقاییش در آزمون امتیازات بهتری کسب نمودند ولی به یهودیه مجدداً تبعید شدند زیرا از خوردن غذای پادشاه که به آنها تقدیم شده بود پرهیز نموده بودند.

□ دانیال و دوستانش امتیاز لازم را مانند دیگران که برای پست مملکتی دربار در نظر گرفته شده بودند نیابردند پس برای یکسال دیگر برای تحصیل گمارده شدند تا اینکه بتوانند از پس امتحان بر آیند.

ویلیام ویلبر فورس با یکی از بزرگترین تصمیمات زندگیش روبرو بود. او در سال ۱۷۸۰ برای پارلمان انگلستان کاندید شده بود. او مقاله ای را در خصوص تجارت خوفناک "برده" که توسط یک روحانی نوشته شده بود خواند. او در این باره چه میباید کرد؟ او از یک طبقه مرفه بود و چشم پوشی از این واقعه ناخوشایند میتوانست باعث مشکل در استیلای اهداف بریتانیا شود.



بنابر این او مصمم شد که در مقابل آن بایستد. او از طرف سیاهپوستان مرد و زن و خردسال شروع به سخن پردازی و فرجام خواهی نمود. آنانی که در رنج و فغان و زجر بر روی کشتی های انگلستان رو بموت بودند. گروه مخالف با تمام قوا برخاست. اعضای پرنفوذ و مقتدر بر علیه ویلیبر فورس قیام نمودند. آنان اخطار نمودند که چنانچه تجارت برده حذف شود دوسوم بازرگانی انگلستان از بین خواهد رفت. و این مخالفت ها در تمامی روز ادامه یافت.

ولی ویلیبر فورس بزانو در نیامد. او هزاران جزوه چاپی را توزیع نمود. در مجامع عمومی سخنرانی کرد. دادخواهی نمود و تحریم تجارت برده و شکر را سازماندهی نمود. او هر سال این سوال برده داری را در پارلمان در معرض رای گیری قرار داد. او به این منازعه ادامه داد و توسط جان وسلی تشویق شد که آن نوشته را در کتاب مقدس خود قرار داد؛ مگر نه اینکه خداوند تو را برای این مسئله بیدار نمود! و توسط شریر و گروه مخالف خسته و فرسوده خواهی شد لیکن چنانچه خدا با توست کیست بر ضد تو؟

نهایتاً پس از سالها ناامیدی لایحه قانونی منع تجارت برده در تاریخ چهارم فوریه ۱۸۰۷ به تصویب رسید. ویلیبر فورس گام بزرگی را در تغییر تاریخ دنیا برداشت. او دنیا را با ایستادگی بخاطر آنچه که برحق و شایسته است دگرگون ساخت. او در برابر قوای متخاصم که بدنبال اهداف سوء خود بود پیروز شد. ویلیبر فورس با کمال شگفتی برکت خداوند را احساس نمود. ویلبر فورس همچون دانیال خوشی و شادمانی را تجربه نمود که چطور ایمان داشتن به خدا برکت می آورد. وقتی به هر قیمتی پیروی از خداوند را انتخاب میکنید او ایمان شما را محترم و مفتخر خواهد نمود. ممکن است زمانهای سختی نیز وجود داشته باشد.

اولین خود آموز کتاب مقدس مسیحیان به زبان فارسی

ممکن است حمله قلبی یا درد و رنج وجود داشته باشد. دانیال همه آنها را تحمل نمود. لیکن چنانچه چشمان و قلبهای خود را به خداوند متمرکز کنیم او تاریکی ها را بروشنائی و دردهایمان را به خوشی تبدیل خواهد نمود.

اولین فصل از دانیال مقدمه را برای نمایش همه کتاب میسر نمود. در واقع این فصل مقدمه ای برای کتاب مکاشفه نیز مرتب نمود. این دو کتاب نبوتی بطور لاینفکی بهم مرتبطند. و هر دو تصویر را از درگیری مابین خوب و شر بما نشان میدهد. نبرد بین خداوند و شیطان از زمان شروع گناه تا ریشه کن شدن آن ادامه خواهد یافت. پرده ها در این نبرد عظیم در فصلی که خواندید بکنار خواهد رفت.

در سال ۶۰۵ قبل از میلاد نبوکد نصر پادشاه بابل حمله بیرحمانه ای را علیه اورشلیم رهبری نمود. این دو شهر معرف دو ایدئولوژی هستند. بابل با آئین های اسرار آمیز و بتهای خود بیانگر روش جعلی و تقلبی نیایش راستین و طغیان و تمرد بر ضد خداوند و ارتداد و شرک بود. اورشلیم، شهر دانیال معرف ایمان و اطاعت و وفاداری به خدا بود. این قیاس بین بابل و امت خدا در شکلهای گوناگون در سراسر کتاب دانیال و مکاشفه تکرار شده است.

آدلف هیتلر ۶۲ ساله در یکی از نیمه شبها با دوستش گوسل کوبزیک از یکی از سالنهای اوپرا بنام لینز، شهری در اتریش که در کنار رود دانوب واقع بود خارج میشد آنان نمایش رنزی با هنرنمایی ریچارد واگنر را تماشا کردند داستان تخیلی و افسانه یک پسر فقیر در روم کهن که مابعد فرمانروای امپراطوری عظیم روم شد. آن دو مرد جوان به آرامی از سنگفرشهای خیابان گذشتند و به حومه شهر رسیدند. آدلف مسیر تپه ای را در پیش گرفت و از بالای تپه به لینز نگاه کردند که چراغهایش در زیر نور ماه سو میزد. آدلف دست دوستش را گرفت و به صورت او خیره شد و گفت گسل چیز مهمی برای من امشب اتفاق افتاد در حالیکه به داستان رنزی که در حال نمایش بود نگاه میکردم گوئی که آینده خودم را میبینم. من همچنین پسری فقیر مانند رنزی هستم. من همچنین برای فرمانروائی یک امپراطوری عظیم قیام خواهم نمود و گفت: دوست من، در آینده، بیشتر درباره من خواهی شنید.

آن دو سپس از تپه پائین رفتند و هر یک به راه خود رفتند. هیتلر و دوستش پس از ۳۰ سال یکدیگر را ملاقات نمودند. آدلف گفت آیا آن شب مهتابی را در فینبرگ بخاطر می آوری؟ گسل سرش را به نشانه تصدیق تکان داد. هیتلر گفت در آنساعت امپراطوری من شروع شد.

هیتلر احتمالاً نبوت دانیال^۲ را نخوانده بود. اگر او خوانده بود ممکن بود که بفهمد که عقده و حرص او برای تصرف دنیا هرگز به واقعیت نخواهد پیوست. بخاطر اینکه خداوند چنین گفته بود. مدتی پس از اینکه دانیال به بابل رسید، نبوکدنصر رویائی را دید که عمیقاً او را منقلب ساخته بود. او اسیر آن رویا شده بود و جزئیات را بخاطر نمی آورد. او چه دیده بود که تا به این حد آشفته شده بود.

نبوکدنصر حکیمان خود را احضار کرد. این افراد در زمینه ستاره شناسی و تعبیر و پیشگوئی دوره دیده بودند. آنها آئین مذهبی را میدانستند. بفرض اینکه خدایان و بتها را خشنود نگاه دارند آنها باور داشتند که هر نوع واقعه در زندگی یک فرد حتی چیزهای جزئی با نیروهای طبیعت معین شده است از قبیل وضعیت ستارگان. آنها از جگر گوسفند و حرکت مسیر پرنده در پرواز و اشکال روغن در آب فال بینی میکردند تئوری آنان چنین بود. با فهمیدن و واکنش نسبت به این نیروها آنها میتوانستند مشکلات را حل لیکن آن حکیمان از عهده بیان آنچه که نبوکدنصر کنند و شکست ها را برطرف کنند و برای توفیق در زندگی ضمانت دهند. در خواب دیده بود بر نیامدند. آنها فقط به تعبیری کوتاه کفایت نمودند. اما درک آنچه که در سر میپرورد غیر ممکن بود و پادشاه همه آنان را به اعدام محکوم کرد. اخبار به دانیال رسید و او نزد نبوکد نصر رفت و استدعا نمود تا اعدام را به تعویق بیندازند. وقتی را طلب نمود و با عجله بخانه رفت تا با دوستانش دعا کند. در آنشب خداوند به دانیال آنچه را که پادشاه در خواب دیده بود آشکار ساخت و معنی دقیق آنرا نیز در آن خواب دریافت نمود. در سرسرای دربار پادشاه در صبح روز بعد یکی از صاحب منصبان قضاوت بنام آریوک از اعتبار و موثق بودن ادعا جويا شد آیا تو یک مرد اسیری که میتوانی راز نبوکد نصر را باز و آشکار نمایی؟ ولی دانیال اعتبار آنرا به خدا نسبت داد. ولی خدائی در آسمان هست که رازها را آشکار میکند او آنچه را که در آینده میباید اتفاق بیفتد از پیش به پادشاه خبر داده است. دانیال ۲:۲۸. دانیال میخواست که پادشاه بداند که خدای آسمانها

اولین خود آموز کتاب مقدس مسیحیان به زبان فارسی

اتفاقاتی را که در تاریخ جهان منبعد بوقوع خواهد پیوست را برایش آشکار نموده است.

خداوند به دعای پرشور دانیال و شدرک و میشک و

عبد نفو به شکل نمایش پاسخ داد. او نگران وضعیت خطرناکشان بودو خدا بهمان طور در امروز نگران شماست. نیازهای شما هر چه که هستند برای خدا مهم هستند. او نسبت به آنها بعنوان چیزهای کوچک و پیش و پا افتاده نگاه نمیکند. وقتی که بخاطر از دست دادن والدین یا دوستی گریان هستید خدا نیز همچنین غمخوار شماست. وقتیکه بخاطر از دست دادن شغلتنان بدیوار تکیه میزنید یالین که برای پرداخت سر رسید صورت حسابهایتان نگران هستید. خداوند پریشانی شما را درک میکند. وقتیکه غریبی و تنهایی وجودتان راشعله ور ساخته خداوند میخواهد آن خلاء و تنهایی و خالی بودن را پر کند. او اشتیاق دارد که بدانید چقدر نسبت به شما دلواپس است و توجه دارد. چیزی را که خداوند از طریق دانیال به نبوکدنصر آشکار نمود در واقع روشی دیگر است که بشما نشان دهد که نسبت به شما حساس است و التفات دارد. ما از طریق دانیال ناظر رخدادهای تاریخ هستیم. خداوند میخواهد که بدانیم که در کجای تاریخ بسر میبریم. او میخواهد در باره آینده احساس اطمینان و دلگرمی کنیم. بگذارید به جزئیات مواقع خارق العاده رویای نبوکد نصر در کتاب دانیال بپردازیم. دانیال ۲: ۳۱-۳۵.

نبوکدنصر در رویا چه دیده بود؟ دانیال ۲: ۳۱-۳۵

○ یک حیوان درنده با دندانهای بزرگ تیز

○ یک طوفان سهمگین که یک سوم زمین را ویران نمود

○ مجسمه ای بزرگ یا تندیس که از فلزات مختلف ساخته شده بود

در شمایل فلزی که نبوکدنصر در رویا دیده بود سر از چه فلزی ساخته شده بود؟ دانیال ۲: ۳۲

○ طلا

○ نقره

○ برنز

بازوان و سینه مجسمه از چه فلزی بود؟ دانیال ۲: ۳۲

○ طلا

○ نقره

○ برنز

شکم و ران تندیس از چه فلزی بود؟ دانیال ۲: ۳۲

○ طلا

○ نقره

○ برنز

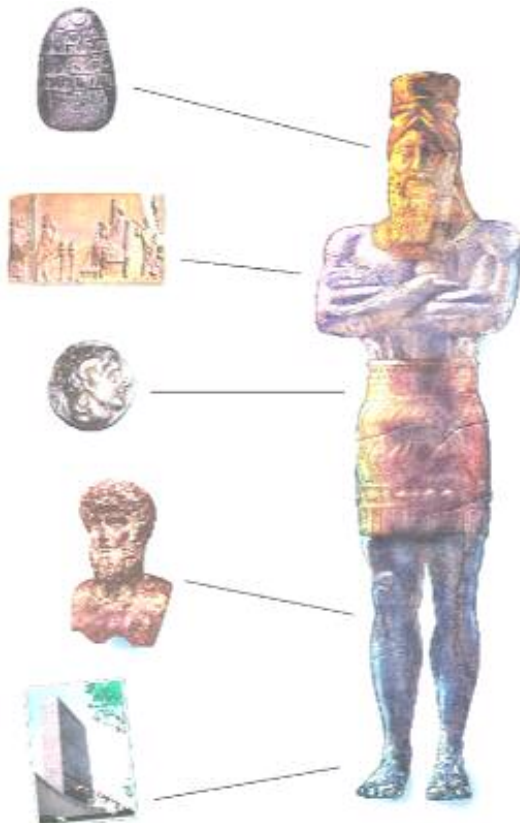
پاهای مجسمه از چه فلزی بود؟ دانیال ۲: ۳۲

○ طلا

○ نقره

○ آهن

پنجه و ساق پاها از چه چیزی ساخته شده بود؟ دانیال



اولین خود آموز کتاب مقدس مسیحیان به زبان فارسی

- طلا
- نقره
- مخلوطی از خاک رس و آهن

تصور کنید که نبوکدنصر بر سریر خود تکیه زده و به مردی جوان که استوار در مقابلش ایستاده خیره شده است. دانیال دقیقاً آنچه را که پادشاه در رویا دیده بود برایش آشکار نمود. نبوکدنصر تقریباً " بر تخت خود نیم خیز شده بود. آری. چنین است . یک مرد عظیم الجثه فلزی. همچنانکه دانیال ادامه میداد پادشاه بیشتر به هیجان می آمد. این عبرانی همه چیز را به درستی میگوید. حتی چیزهای جزئی را نیز بیان میکند. هیچ اشتباهی در آن نیست. خدای او باید خدای حقیقی باشد.

ولی نبوکدنصر همچنان سوالی بزرگ برایش باقی مانده است. این رویا معنایش چیست؟ نیازی نبود که برای پاسخ مدتی طولانی بایستد. دانیال ادامه داد . رویا چنین است . حال تفسیرش را در حضور پادشاه خواهیم گفت.(آیه ۳۶).

دانیال برای نشان دادن معنی هر فلز و هر قسمت از مجسمه که در ارتباط با امپراطوری های تاریخ به پیش رفت. او تاریخ اقوام و ملل را ترسیم نمود و از بابل شروع نمود و تا آمدن دوباره مسیح ادامه داد.

سر طلائی

در تندیس فلزی که پادشاه نبوکدنصر در رویا دید سر طلائی معرف چه چیزی بود؟(دانیال ۲: ۳۷، ۳۸)



○ امپراطوری آینده روم

○ نبوکدنصر و پادشاهی در بابل

○ ایالات متحده

پادشاهی نبوکدنصر و حکمرانی در بابل که دنیا را فرمانروائی کرد از سال ۶۰۵ قبل از میلاد تا ۵۳۹ قبل از میلاد ادامه یافت. کانون آن در عراق فعلی در حد فاصلی از بغداد بود. بابلیان یک بت را بیش از بتهای دیگر میپرستیدند بنام بعل مردوک که از طلا ساخته شده بود. نبوکدنصر خوشوقت از این بود که طلای امپراطوری بابل توسط سر آن مجسمه که در رویا دیده بود بیان شده است.

سینه و بازوان نقره ای



اولین خود آموز کتاب مقدس مسیحیان به زبان فارسی

دانیال در مورد اینکه پس از پادشاهی بابل چه کسی خواهد آمد چه گفته بود؟ (دانیال ۲: ۳۹)

○ پادشاهی دیگری که از پادشاهی بابل قوی تر است

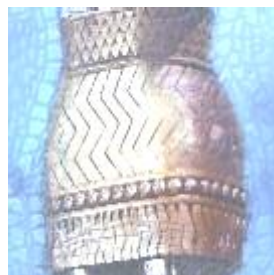
○ پادشاهی دیگری که طولانی تر از بابل برقرار خواهد شد

○ پادشاهی دیگری که از پادشاهی بابل ضعیفتر خواهد بود

در تکمیل پیشگوییهای الهی ، پادشاهی بابل توسط کورش کبیر شکست خورد و به ویرانه ای تبدیل شد. کورش کبیر فرمانده پارسی ، امپراطوری بابلیان را در ۵۳۹ قبل از میلاد سرنگون ساخت. جالب تر اینکه ۱۵۰ سال قبل از اینکه چنین واقعه ای بوقوع بپیوندد اشعای نبی مردی را پیشگویی نمود که کورش نام داشت و بابل را ساقط خواهد نمود (اشعیا ۴۴: ۲۸ و ۴۵: ۱)

منبع دانیال در کتاب خود دو پادشاهی را نام برد که بتوالی بعد از بابل می آیند: (ماد و پارس) و یونان (دانیال ۸: ۲۰، ۲۱). پارسیان ، جهان را از ۵۳۹ تا ۳۳۱ قبل از میلاد فرمانروائی نمودند.

شکم و رانهای برنز



در تندیس ، شکم و رانهای برنزی معرف چه چیزی بودند؟

○ پادشاهی جهان سوم

○ آخرین پادشاه بابل

○ اولین امپراطور روم

شکم و رانهای برنزی ، معرف پادشاهی یونان بودند که پارسیان را در نبرد آربلا در سال ۳۳۱ قبل از میلاد مغلوب نمودند. الکساندر (اسکندر مقدونی) بر (ماد و پارس) غلبه یافت و سومین امپراطوری جهان را به معرف نمود. یونان از سال ۳۳۱ تا ۱۶۸ قبل از میلاد بر جهان چیره بود.

اولین خود آموز کتاب مقدس مسیحیان به زبان فارسی

پاهای آهنی



چهارمین پادشاهی مقتدر چه بود و سمبل پاهای آهنی بدیگر اقوام جهان چه کرد؟

○ آنها را متلاشی نمود و شکست داد

○ آنان را از حملات بربریان محافظت نمود

○ باعث شد تا هر سال مالیات و خراج بپردازند

پس از مرگ اسکندر مقدونی امپراتوری یونان ضعیف شده و به دست رقبای حکومت تقسیم شد. در نبرد پیندا در ۱۶۸ قبل از میلاد امپراتوری آهن که روم بود یونان را مضمحل ساخت. روم فرمانروائی جهان را در ایام پیامبری عیسی در زمانی که در زمین بود ادامه داد. امپراتوری روم در سال ۴۷۶ پس از میلاد به آخر رسید. به پیشگویی‌هایی که هم اکنون خواندید تفکر کنید. چطور دانیال که یک جوان عبرانی بود توانست در ایام بابلیان امپراتوری‌های دیگر را که تا صدها سال بعد بر هم تاختند پیشگویی کند؟ ما از پیشینی هوای روز بعد عاجزیم و حتی نمیتوانیم نوع گردش بازار را در هفته بعد پیشینی کنیم. بابل و (ماد و پارس) و یونان و روم یکی پس از دیگری دقیقاً "آنطور که پیش بینی شده بود آمدند که کتابهای تاریخ امروز آنها را بیان میکنند. آیا خداوند آینده را در کنترل خود خواهد داشت؟ آیا میتوانیم به اصل برنامه عظیم او امیدوار باشیم؟ انعکاس پاسخ چنین است: آری!

پنجه و ساقهای مخلوط از گل رس و آهن



در تندیس پنجه و ساقهای پاها از مخلوطی از گل رس و آهن بود. و بیانگر این واقعیت بود که این پادشاهی چه خواهد بود: (دانیال ۲: ۴۱، ۴۲)

○ گاهی جنگ و گاهی صلح

○ منقسم شده به قوی و ضعیف

○ گاهی اوقات توسط پادشاهان خوب و گاهی اوقات توسط پادشاهان بد حکمرانی میشود

دانیال نبی ، امپراطوری پنجم را معرفی نمیکند بلکه تقسیم شدن سلطنتهای جداگانه " روم آهن " را میگوید. روم به سلطنتهای کوچکتر تقسیم شده که سمبل ده انگشت پنجه پا میباشد. در خلال قرون چهارم و پنجم (۳۷۱ تا ۴۷۶ بعد از میلاد)

اولین خود آموز کتاب مقدس مسیحیان به زبان فارسی

مهاجمان بربر از شمال به پائین سرازیر و باعث زوال امپراتوری روم شدند. یکی پس از دیگری همه را مغلوب ساختند. تقریباً بیست قبیله جرمن (آلمانی) قلمرو روم غربی را تصرف نمودند. اما سرانجام تعدادی اقوام مستقل خود را در محدوده اروپای غربی پابرجا نمودند. پنجه پاهای مخلوط (آهن و گل) مجسمه معرف اقوام فعلی اروپا هستند. نبوت بطور دقیق بوقوع پیوست و تاریخ دنیا با آنچه که خداوند از پیش گفت همخوانی و مطابقت دارد. آیه ۴۳ بما میگوید که تلاش برای متحد نمودن اقوام بعدی روم بعدی یا اروپا برای داشتن یک حاکم انجام خواهد گرفت. خداوند بسادگی میگوید که چنین نخواهد شد: آنها با یکدیگر متحد نخواهند شد.

مردان بسیاری در میان تاریخ سعی نمودند تا اروپا را متحد کنند. شارلمان و ناپلئون و هیتلر و استالین مبالغ هنگفتی را بدین منظوراز مایه گذاشتند. ولی هر کدام شکست خوردند. تاریخ هیچ تضادی با کلام خدا ندارد. و همچنان دقیق و درست باقی خواهد ماند. و بما اطمینان میدهد که آینده در دستان خداوند است و میتوانیم به وعده او اعتماد نمائیم.

صخره



پس از این دوره بسیاری از اقوام جداگانه حکومت خواهند نمود. از آنجائی که مخالفت برای یکی کردن و تک قطبی شدن جهان بیان گردیده - واقعه عظیم دیگری در تاریخ رخ خواهد داد. "در دوران سلطنت آن پادشاهان خدای آسمانها سلطنتی برقرار خواهد ساخت که هرگز از بین نخواهد رفت و کسی بر آن پیروز نخواهد شد بلکه همه آن سلطنتها را در هم کوبیده مغلوب خواهد ساخت و خودش تا به ابد پایدار خواهد ماند". (آیه ۴۴)

در رویای نبوکد نصر بر پنجه پاهای مجسمه سنگی ضربه خواهد زد. و پس از آن بر پادشاهی های معرفی شده چه پیش خواهد آمد؟ (دانیال ۲: ۴۴)

○ آنها از آنچه که بوده اند قوی تر شده و پادشاهی که بوسیله سنگ عنوان شده را در هم خواهند شکست

○ آنان متلاشی شده و کاملاً" توسط سنگ مضمحل خواهند گردید

○ بر آنان هیچ اتفاقی نخواهد افتاد و تنها پای مجسمه است که شکسته میشود!

اولین خود آموز کتاب مقدس مسیحیان به زبان فارسی



تا چه مدتی پادشاهی که توسط سنگ معرفی شده برقرار خواهد ماند؟(دانیال ۴:۲)

○ برای همیشه

○ تا زمانی که عیسی باز گردد

○ تا پایان امپراتوری روم

این پادشاهی و ملکوت که سمبل سنگ است بر پنجه پای تندیس خورده و طلا و نقره و برنز و آهن را خورد خواهد نمود. آیه ۴۵ را بخوانید. آن صخره (سنگ) بیانگر آمدن ملکوت خداست. کلام بما میگوید که عیسی آن صخره است (اول قرنیتیان ۴:۱۰). در بازگشت ثانی عیسی مسیح گناه برای همیشه از بین خواهد رفت و پادشاهی عیسی تا به ابد برقرار خواهد بود. امروز میبینیم که تمامی پیشگوئیهای دانیال بوقوع پیوسته مگر آخرین آن - ضربت خوردن تندیس توسط سنگ. ما در اوج بزرگ نمایش قرار داریم که بازگشت مسیح به جهان ماست. آن چیز مطابق با برنامه زمان بندی شده خداوند بوقوع خواهد پیوست. عیسی در شرف پایان رساندن درگیری های خونین تاریخ بشر است و ما را گردهم خواهد آورد تا با او تا به ابد زندگی کنیم. آری . ما همچنان در میان زد و خوردهای قومی علیه قومی دیگر هستیم. جهان مکان ترسناکی بنظر میرسد. جنگهای قومی و نژادی شعله ور شده است. عکسهای کودکان با شکمهای متورم همچنان در اخبار دیده میشوند. نمایانیم بمب بعدی تروریستها کجا را منفجر خواهد نمود بی هدف و بیخودی به همسایگان شلیک میکنیم. و همچنان به بلاها و مصیبتهای از قبیل ایدز دچاریم.

ولی در این میانه این امر مهم را میتوانیم تصدیق کنیم که در صدر قرار دارد - تاریخ با شتاب به اوج خود میرسد: مواجهه و روبرویی با عیسی. زمان آن رسیده که خود را برای ملاقات با عیسی آماده کنیم. همان دستی که دانیال را راهنمایی نمود تا هزاران سال را بطور خلاصه در چند آیه کتاب مقدس بیاورد میتواند شما را برای یک زندگی با معنی هدایت کند.

آیا خدا غمخوار و مراقب شما خواهد بود؟ آری او بشما التفات و توجه دارد. به این کلام گوش کنید: متی ۱۰:۲۹-۳۱ "قیمت دو گنجشک چقدر است؟ خیلی ناچیز. ولی حتی یک گنجشک نیز بدون اطلاع پدر آسمانی شما بر زمین نمی افتد. تمام موهای سر شما نیز حساب شده است. پس نگران نباشید. در نظر خدا شما خیلی بیشتر از گنجشکهای دنیا ارزش دارید". ایمان و اعتماد به خدا ممکن است تغییر شگرفی در زندگیتان بوجود آورد. جهان بنظر متلاشی میشود اما ما بخود متکی نیستیم. دست خدا ما را هدایت مینماید برای هر قدمی که بر میداریم. اگر میخواهید که نزد عیسی بیایید او بشما ایمانی عطا خواهد نمود که در طوفانهای زندگی هر چقدر که ترسناک باشند به او تکیه خواهید نمود. آرامش و صلح و سلامتی در مسیح وجود دارد. افسسیان ۲:۱۴ "مسیح پیوند صلح و دوستی ماست".

دعا کنیم

ای پدر عزیز آسمانی از تو بخاطر علاقه ای که نسبت به زندگی شخصی من داری سپاسگزارم. شکر میگویم بخاطر اینکه به سوالاتی که راجع به آینده جهان است پاسخ داده ای. هرروزه مددکار من باش تا اینکه زندگیم را تحت کنترل تو قرار دهم. مرا رهبری کن و تعلیم ده . مرا در توجهات خود قرار ده . بنام عیسی مسیح دعا میکنم. آمین



مروری بر دانیال - زندگی و زمان - بخش دوم

دانیال ۳، ۴

شکنجه ، عذاب و رنج

در همه جای دنیا شکنجه ، عذاب و رنج وجود دارد. در کشوری هزاران مسیحی مثل برده فروخته شدند. مانند دختر کوچکی به اسم آکواک که در یکی از قبایل جنوبی کشورش زندگی میکرد و بر او چنین واقع شد. او توسط مردی مسلح ربوده و به شمال برده شد. اربابش او را مجبور کرده بود که در ساعت‌های طولانی در آشپزخانه کار کندو در آنجا هم میخوابید و بزنگیش ادامه میداد. ارباب تلاش میکرد که او را پیرو مذهب و عقیده خودنماید. به او نام جدیدی داد و مجبورش مینمود تا سنتها و رسمهای او را پیروی کند. اما آکواک کوچک ایمانش را رها ننمود. او در رازگهانش سرود میخواند و خداوند را عبادت مینمود. او بعقیده خود برای مدت هفت سال پایبند بود تا اینکه یک گروه امور خیریه سوئیسی او را از بردگی رها نمودند. در بسیاری از کشورها چنین آزارها و شکنجه هائی بر سر ایمانداران آمده است. یکی از کشیشان دلیر بیست و پنج بار به زندان افکنده شد و روزی او را از پا آویزان نموده و از پایش روغن داغ بر او ریختند. لیکن او بر ایمانش قائم بود. این چیزها در شهرها و کشورهای مختلف دنیا اتفاق می افتد. حقوق مسیحیان پایمال گردیده و آنان همچنان بر سر ایمان خود تا پای آزار و شکنجه استوار ایستادند. داستان این فصل از دانیال سرمقاله این روزهاست. و این فصل یکی از فصلهای برجسته در تاریخ رنج و مشقت ایمانداران بوده است. این پرتوی است ماورای آنچه که بسیاری در حال حاضر تجربه کرده اند. پادشاهی که نبوکد نصر نام داشت ایفاگر نقشی است که در داستان دانیال خواندیم. غرور و اشتیاق او برای اقتدار و برسمیت شناختن در پس دو واقعه مهم نهفته که در این درس آنرا می آزمائیم.

واقعه نخست: شمایل طلائی (دانیال ۳)

همهمه بابلیان از حیرت آن چه که در جلگه دورا بوقوع بسته بود در همه جا پیچید. آیا دیده ای؟ غیر قابل باور است!

یک مجسمه عظیم مردی از طلای خالص!

ایکاش فقط یک انگشت طلایش را داشتم!



در هنگام ستیغ خورشید در صبحگاهان بر روی تپه ای در اطراف شهر اشعه تیز آن رقص کنان تلتل خود را بر سر و شانه طلائی تندیس افکند. تندیس از فرسخها قابل دید بود و بر سر زبانها میچرخید. نبوکدنصر پادشاه عمیقاً تحت تاثیر تندیس ساخته شده از فلزات و خاک قرار گرفت (دانیال ۲) او در رویایش دیده بود ... خصوصاً "سر طلا را بیاد داشت. برای مدتی او دانیال و خدای آسمانها را احترام مینمود. لیکن پس از مدتی دومین فکر در ذهنش خطور کرد. او کمی رغبت خود را از دست داده بود. خداوند گفته بود که پادشاهی دیگر بر خواهد خاست و بابل را سرنگون خواهد نمود. او در خیال میپروراند که شاید بتواند این نبوت و پیشگوئی را تصحیح و دگرگون نماید. چه میشد که بتوانم نسخه المثنی مجسمه را بسازم ولی تماماً "از سر تا به پا طلا؟! و این خواسته وی بود که بابل را امپراطوری ابدی جلوه دهد. و او این کار را انجام داد. او میخواست تمامی کارکنان دربار را احضار نموده تا در مقابل تندیس سر فرود آورند و متعهد و ملتزم بر لایزال بودن او شوند.

اولین خود آموز کتاب مقدس مسیحیان به زبان فارسی

مهندسی و معماران نبوکدنصر مشغول بکار شدند. طولی نکشید که مجسمه در جلگه دورا افراشته شد. بطول تقریبی ۳۲ متر و عرض حدود ۴ متر. این مجسمه در واقع نمادی از سرکشی و طغیان بود. پادشاه کلام خدا را به نبرد دعوت نمود. او چیزی جعلی را بعنوان سمبل حقیقی نبوت دانیال که به او نشان داده شده بود خلق نمود بر خلاف بیان حقیقت در خصوص آینده که خداوند بر او هویدا نموده بود مردم را اغوا نمود. نبوکدنصر نقشی را بجای شیطان بازی نمود. کسی که منبع دروغ و فریب بود. (یوحنا ۸: ۴۴). خیالات او در نهایت در مسیر متضاد عیسی که راه و حقیقت و زندگی بود ایستاد. و بنابراین در پیشگویی کتاب مقدس، بابل معرف مخالف گفته های الهی بود. و قائم بود بر دروغ و فریب و مرگ ابدی که تلاش میکرد حقیقت و وفاداری و زندگانی جاودانی را وارونه جلوه دهد. این مفهوم برای واضح شدن کتاب مکاشفه شکل گرفت.

گزینش نبوکدنصر مهم بود یک راه با دستاورد ابدی! و سه مرد جوان عبرانی نیز بهمین ترتیب باید گزینه خود را انتخاب میکردند.

چه مجازاتی برای خود داری از تعظیم بر مجسمه طلائی نبوکدنصر در نظر گرفته شده بود؟ (دانیال ۳: ۶)

○ افکنده شدن در توده آتش

○ حلق آویز شدن

○ افکنده شدن در چاه شیران

نبوکدنصر از نفوذ سیاسی خود برای تحمیل گونه ای پرستش استفاده میکرد. در اواخر فصول دانیال و در کتاب مکاشفه خواهیم دید که چطور اختلاط کلیسا و حکومت در نبوت و پیشگویی تصویر شده است. این بخش جعلی سیستم مذهبی که صورت زشت خود را دوباره نمودار خواهد نمود امت خدا را مورد ستم قرار خواهد داد. نخستین دستور از ده فرمان اظهار میدارد: خروج ۲۰: ۵ "تو را خدایان دیگر غیر از من نباشد. هیچگونه بتی به شکل حیوان یا پرنده یا ماهی برای خود درست نکن. در برابر آنها زانو نزن و آنها را پرستش مکن زیرا من که خداوند خدای تو میباشم خدای غیوری هستم و کسانی را که با من دشمنی کنند مجازات میکنم. این مجازات شامل حال فرزندان آنها تا نسل سوم و چهارم نیز میگردد." نبوکدنصر از نفوذ سیاسی خود برای تحمیل گونه ای پرستش استفاده میکرد. در اواخر فصول دانیال و در کتاب مکاشفه خواهیم دید که چطور اختلاط کلیسا و حکومت در نبوت و پیشگویی تصویر شده است. این بخش جعلی سیستم مذهبی که صورت زشت خود را دوباره نمودار خواهد نمود امت خدا را مورد ستم قرار خواهد داد. همچنانکه برگزیدگان بابل اطراف شمایل نبوکدنصر گرد آمدند تقریباً "هیاهویی بپاخواست. شیپورها و سنج ها بصدا در آمدند. ارتش مقتدر بابل به جمعیت نزدیک شد. سربازان زره پوش و سراپا مسلح بودند. برای بسیاری که به این جمع پیوستند این گردهمایی برایشان مثل یک جشن بود. غذا و شراب به رایگان پخش شد. آنها به مهمانی در طول شب پرداختند. ولی ناگهان جماعت سکوت کرد. سخنگوی پادشاه دستورات و راهنمایی ها را با صدای بلند خواند. هنگامیکه دسته موزیک سلطنتی و شیپورها و نقاره ها و بربطها و فلوتها بصدا در آمدند همه مجبور به تعظیم و پرستش مجسمه طلائی پادشاه شدند. در زمینه تاریک، دود از دودکش آجری بهوا برخاست - تأکیدی بر مفهوم اینکه آنانیکه از عبادت خودداری کنند در تنور آتش سوزانده خواهند شد. سخنگو علامتی داد و دسته موسیقی شروع به نواختن نمود. صدای نامفهوم از دریای جمعیت که بدور مجسمه حلقه زده بودند شنیده شد هر کسی بر روی زمین کرنش کند. در آن منظره احتمالاً "لبخندی بر لبان نبوکدنصر خزید. لیکن این خوشی کوتاه بود. تعدادی از کلدیان با عجله خود را بیادشاه رساندند و خبر ناخوشایندی را به او عرضه داشتند.

هنگامی که همه بر شمایل سر تعظیم فرود آوردند چه چیزی نبوکدنصر را پس از آن غضبناک ساخت؟ (دانیال ۳: ۱۲)

اولین خود آموز کتاب مقدس مسیحیان به زبان فارسی

○ سه دوست دانیال شدرک و میشک و عبد نغو مجسمه طلائی پادشاه را به سخره گرفتند.

○ سه دوست دانیال شدرک و میشک و عبد نغو قبل از اینکه از جمعیت مرخص شوند به خانه برگشته بودند.

○ سه دوست دانیال شدرک و میشک و عبد نغو از تعظیم کردن خودداری کردند.

نبوکدنصر خشمناک بود، او شدرک و میشک و عبد نغو را احضار نمود. او به آنها گفت فرصت دیگری به آنان میدهد تا در مقابل مجسمه کرنش کنند. اگر این کار را نکنند درشعله های آتش افکنده خواهند شد. آنان که ایستاده بودند سه جوان عبرانی بودند که در برابر پادشاه مقاومت مینمودند. این سه مرد جوان فرصتی برای فکر کردن نداشتند. آنان بیدرنگ به پادشاه پاسخ دادند. شدرک و میشک و عبدنغو به پادشاه گفتند اگر او آنان را بداخل تنوره آتش بیندازد:



(دانیال ۳: ۱۷)

○ دولتمردان پادشاهی بر علیه حکومت طغیان خواهند نمود.

○ خداوند آنان را از آتش زنده بیرون خواهد آورد.

○ نسلهای آینده آنان را محترم خواهند شمرد و آنان بخاطر خشم پادشاه شهید محسوب خواهند گشت.



شدرک و میشک و عبدنغو به پادشاه گفتند حتی اگر در شعله های آتش بمیرند: (دانیال ۳: ۱۸)

○ بتهای نبوکدنصر را خدمت نخواهند نمود و مجسمه طلائی را پرستش نخواهند نمود.

○ بلافاصله به بهشت برده خواهند شد.

○ با خشنودی خواهند مرد و به علم اینکه از پادشاه سرپیچی نموده اند.

چه عجیب! اگر در چنین وضعیتی قرار داشته باشید چه خواهید نمود؟ شما با شعله های آتش روبرو خواهید بود که دود سیاه از شعله های آن زبانه میکشد. مرگ حتمی است. اگر آن سه نفر عبرانی تردید داشتند به فکر نجات از مرگ می افتادند - شیطان میتواند سوء استفاده نموده و در برابرشان بایستد. لیکن آنان به ایمان خود متمسک شدند مثل لنگر کشتی و باعث شد تا تصمیمی و پاسخی سریع بدهند و پروردگارشان را بدون قید و شرط متابعت کنند.

شدرک و میشک و عبدنغو باور داشتند که خداوند آسمانها با آنهاست. ولی آنها تصدیق نمودند که هرا راه و چیزی ممکن است بر وفق مرادشان انجام نشود. آنها در باره سرنوشت اوریای نبی مطلع بودند. چند سال در همان اواخر او اخطار صریحی را به پادشاه

اولین خود آموز کتاب مقدس مسیحیان به زبان فارسی

یهویاکیم در باره فسادش داده بود. که آن شه‌ریار بطور ناجوانمردانه او را مجازات نمود. (ارمیا ۲۶: ۲۰-۲۳) آیا هرگز احساس کرده اید که بعنوان فردی متفاوت از دیگران منزوی شده اید؟ شاید بر یک مزاح ظالمانه نژادپرستانه نخندیده اید. شاید یک برنامه تلویزیونی بیروح و مبتذل را برای دیدن انتخاب نکرده باشید. شاید ایمان شما را یک فرد عجیب و غریب در محل کارتان به مسخره گرفته باشد. خداوند رهایی بخش و رستگارکننده عظیمی است. ولی گاهی وقتها او اجازه میدهد که شاهدان او باشیم و میگذارد بجای پیروز شدن شکست بخوریم. وقتی که عیسی در باغ جتسیمانی احساس کرد که تنها شده و گرانباری بر دوشش سنگینی میکند. زمانی که با صلیب مرگ روبرو شد او همچنان بدعا پرداخت: آنچه که خواست و اراده توست کرده شود نه به خواهش من. خداوند به شما کمک خواهد کرد تا چنین کنید. خداوند میتواند از شکست آشکارو انزوا استفاده کند تا آن را به صلح و پیروزی مبدل نماید. تنها مطمئن باشید که دوستی و رافت مسیح را اعلام خواهید نمود.

بسیار بجاست که کشته شدگان در راه مسیح را بیاد آوریم. آنان شایسته هستند تا شهیدان مسیح خوانده شوند: اجسادى در جنگلها یافت شد. افرادی ناجوانمردانه با چاقو کشته شدند. برخی جسد قطعه قطعه شده شان پیدا شد و بزرگانی که طناب دار بر گردنشان آویخته شد. آنان نیز شاید زمانی را که با مرگ روبرو شدند نام خدای پدر را زمزمه کردند و گفتند ای پدر گر چه مرگ ترسناک است ولی هر چه که اراده مقدس توست کرده شود.



نیوکدنصر پس از اینکه دید آن سه جوان عبرانی از تعظیم بر مجسمه طلائی تمرد میکنند چه کرد؟ (دانیال ۳: ۱۹-۲۳)

○ دستور داد که بلافاصله در آتش افکنده شوند.

○ آنان را بخاطر اینکه در دربار خدمت میکردند عفو کرد.

○ آنان را به زندان افکند تا بخاطر خیانتشان محاکمه شوند.

پس از اینکه آن سه مرد جوان به آتش افکنده شدند چه اتفاقی افتاد؟ (دانیال ۳: ۲۴-۲۵)

○ یکباره مردند.

○ هیچ اتفاقی نیفتاد. شعله های آتش هیچ آسیبی به آنان نرساند.

○ آنها قادر بودند قبل از مرگشان در مورد خدای حقیقی به مردم بگویند.

نیوکدنصر در آتش چه دید؟ (دانیال ۳: ۲۵)

○ جسد مرده سه دوست دانیال.

○ فرشتگانی که سه دوست دانیال را ترغیب میکردند که بعنوان شهیدان وفادار بخدا بمیرند.

○ سه دوست دانیال بدون هیچ آسیبی قدم میزدند و فرد چهارمی شبیه فرزند خدا هم در آنجا بود.

اولین خود آموز کتاب مقدس مسیحیان به زبان فارسی

نمونه شگفت انگیزی از نمایش قدرت و حمایت و محافظت خدا را در اینجا میبینیم!

عیسی در میان شعله های آتش با دوستانش ایستاد. در میان این رهائی بخشی او به من و شما میگوید: شما مجبور نیستید که خودتان بمیان شعله های آتش بروید. من نیز با شما خواهم رفت. در واقع من در میان شعله های آتش قبل از شما قدم خواهم گذاشت و قدم به قدم در پیش روی شما خواهم بود. پس مشکلات خود را نزد من بیاورید. تلاشهایتان و ترسهایتان و ناامیدیها را نزد من آورید. خواسته هایتان را نزد من آورید تا بر آورده شود. ایمان خود را نزد من آورید - خواه کوچک باشد و خواه بزرگ.

آیا تا کنون احساس کرده اید که در طول زندگی بارها بدون خدا در میان آتش رفته اید؟ دیگر مجبور نیستید که چنین کنید. وعده خدا را بشنوید: اشعیا ۴۳:۱-۳ "...نترس من بهای آزادی تو را پرداخته ام. من تو را بنام خوانده ام. تو مال من هستی. هنگامی که از آبهای عمیق بگذری من با تو خواهم بود. هنگامی که سیل مشکلات بر تو هجوم آورد نخواهم گذاشت غرق شوی. هنگامی که از میان آتش ظلم و ستم عبور کنی شعله هایش تو را نخواهد سوزاند. زیرا من خداوند خدای مقدس تو هستم و تو را نجات میدهم ...".

دانیال ۳:۲۶-۳۰ را بخوانید

آتش با سه مرد جوان عبرانی چه کرد؟(دانیال ۳:۲۶, ۲۷)

○ هیچ نشد. هیچ آسیبی توسط شعله های آتش به آنها نرسید.

○ فقط موها و لباسهایشان سوخت و گرنه هیچ آسیبی ندیدند.

○ آتش همگیشان را سوزاند.

در ادامه این تجربه شگفت انگیز نبوکدنصر در باره خدائی که عبریان میپرستیدند چه گفت؟(دانیال ۳:۲۸, ۲۹)

○ از این روز به بعد خدای عبرانیان نیز به خدایان بابل اضافه خواهد شد.

○ مبارک باد خدای عبرانیان که هیچ خدائی نمیتوانست چنین کند.

○ از خدای عبرانیان آموزش می طلبم که سعی در گرفتن جان این مردان جوان داشتم.

چه اتفاقی بر شدرک و میک و عبدنغو در این واقعه آتشین افتاد؟(دانیال ۳:۳۰)

○ آنان برای استراحت به سرزمین خود یهودیه بازگشتند.

○ آنان از خدمت دربار بیرون رفتند و شروع به آموختن به مردم در مورد خدای حقیقی نمودند.

○ پادشاه آنان را در حکومت بابل در پست و مقام بالاتری گماشت.

پس نبوکدنصر تصمیم گرفت تا خداوند را محترم دارد. چه کار دیگری او میتواند انجام دهد؟ همه دولتمردان اطراف او شاهد قدرت خداوند بودند. آنها دیده بودند که کسانی که خداوند را محترم میشمارند خدا نیز آنان را کمک خواهد نمود. متأسفانه تواضع

اولین خود آموز کتاب مقدس مسیحیان به زبان فارسی

پادشاه در برابر خدای آسمانها دیرپا نشد. فصل چهارم به ادامه داستان میپردازد.

واقعه دوم: علف خوردن همچون گاو (دانیال ۴)

آنچه را که نبوکدنصر در آتش دید او را بر آن داشت تا حکمی صادر کند: کسانی که بر علیه خدا سخن بگویند کشته خواهند شد. لیکن او خودش خدا را فراموش کرد و بسیار رنج برد. آنچه را که در دانیال فصل چهارم نگاشته شده می خوانیم. این سندی بسیار قابل توجه است: شهادت شخصی بزرگترین سلطنت جهان در آن زمان نشان دهنده این است که چطور خداوند در زندگی او دخیل بوده است.



مقصود نبوکدنصر پادشاه در مورد آن چه که برایش بوقوع پیوست چه بود؟ دانیال ۴: ۱، ۲

○ او میخواست خود را در برابر دفترداران دربار تبرئه کند.

○ او میخواست نشانه های شگفت آور خدا را در زندگیش آشکار کند.

○ او میخواست یک واقعه دقیق و درست را در مورد زندگیش برای نسلهای بعد باقی بگذارد.

پادشاه در رویا چه چیزی را دید که خدا به او داد؟ (دانیال ۴: ۱۰-۱۲)

○ درختی عظیم بسوی آسمانها رشد نمود.

○ کوهی بزرگ که بنظر میرسید بر روی آتش قرار دارد.

○ یک طوفان هولناک که همه پادشاهیش را نابود ساخت.

نبوکد نصر رویای دیگری دید که سخت او را پریشان ساخت. او دوباره فرزندانگن و اندیشمندان را به بارگاه خود خواند. در این زمان پادشاه بیاد آورد آنچه را که در رویا دیده بود. ولی فرزندانگن دربار از معنی این رویا درماندند. دانیال وارد شد. نبوکد نصر درباره رویایش به دانیال گفت. او درختی بزرگ را دید که آنقدر رشد کرد تا به آسمانها رسید. و آن درخت برای حیوانات و پرندگان مکان و ماوایی شد. لیکن فرشته ای از آسمان نازل شد. او دستور داشت تا درخت را به قطعاتی خرد کند. کنده درخت باقی ماند و تسمه ای آهنین اطراف کنده را بست. (دانیال ۴: ۱۳-۱۶)

ولی کنده درخت و ریشه های آن را در زمین باقی بگذارید و آن را با زنجیر آهنی و مفرغی ببندید و در میان سبزه های صحرا رها کنید. بگذارید شبنم آسمان او را تر کند و با حیوانات صحرا علف بخورد. بگذارید برای هفت سال عقل انسانی او به عقل حیوانی تبدیل شود. (آیه ۱۵، ۱۶)

اولین خود آموز کتاب مقدس مسیحیان به زبان فارسی

دانیال در لحظه مفهوم رویا را درک نمود. و او را از نگرانی پر ساخت. این خبر خوبی نبود. ولی نبوکدنصر اصرار نمود تا آشکار سازد که چه درک نموده است. و سپس دانیال رویا را تشریح نمود:

درختی را که پادشاه در خواب دید سمبل چه چیزی بود؟(دانیال ۴: ۲۰-۲۲)

○ دانیال نبی

○ پادشاهی که پس از بابل خواهد آمد.

○ نبوکدنصر

در رویا پادشاه دید که درخت قطعه قطعه شده و ریشه کنده آن با تسمه ای آهنین بسته شد. این معرف چه چیزی بود؟ دانیال ۴: ۲۵

○ دانیال نبی مجازات خواهد شد.

○ پادشاهی پس از بابل خواهد آمد و آنرا نابود خواهد نمود.

○ نبوکدنصر پادشاه عقل خویش را از دست خواهد داد و از حالت بشری تغییر و خوی حیوانی بخود خواهد گرفت تا بداند که خدای آسمانها حاکم همه امور زمین است.

چقدر بطول انجامید تا که نبوکدنصر به حالت اصلی بازگردد و بابل را حکمرانی کند؟(دانیال ۴: ۲۳-۲۶)

○ هفت سال

○ ده سال

○ دوازده سال

پیام رویا چنین است: از آنجائی که نبوکدنصر تغییر روش داد بنابر این دچار روان پریشی خواهد شد و همچون گاو رفتار خواهد نمود و به دشت رفته و از علف صحرا خواهد خورد. او برای مدت ۷ سال در این وضعیت باقی خواهد ماند. موهای پریشان و نامرتب او به هم تابیده خواهد شد تا جائیکه شبیه پرهای عقاب خواهد گردید. ناخنهایش رشد خواهد نمود و خم خواهد شد همانند پنجه های عقاب. امروزه در علم روانشناسی این رفتار با مصیبت بار را "بوانتروپی" میگویند حالتی که مردم خیال میکنند که گاو هستند و مانند یک حیوان رفتار میکنند. در هر حال نبوکدنصر از این فاجعه میتوانست رهائی یابد ولی در صورتیکه تسلیم خدا میشد و پیروی از او را انتخاب مینمود.

چه مدت از رویای نبوکدنصر گذشته بود که پادشاهی از او گرفته شد و از حالت بشری خارج شد؟(دانیال ۴: ۲۸-۳۳).

○ شش ماه

○ دوازده ماه

○ چهل و دو ماه

اولین خود آموز کتاب مقدس مسیحیان به زبان فارسی

با چشم اندازی بر روی پایتخت، پادشاه اعلان نمود: آیا این بابل بزرگ نیست که من بنا کردم؟ در واقع بابل یک کلانشهر برجسته بود. نبویلصر پدر نبوکدنصر آشوریان را شکست داد و برای بازساخت بابل کمک نمود که در ۶۸۹ ق م تخریب شده بود. شهر بر بسیاری از زیباییهای خود بالیده بود از قبیل قصرهای زیبا، معابد و زیارتگاهها و باغهای سقفی. در واقع باغهای معلق آن سرانجام به عنوان یکی از هفت عجایب دنیا مطرح گردیده است.

نبوکدنصر تمام این شکوه و جلال را از آن خود میدانست. او فراموش کرده بود که پادشاهیش توسط خداوند برقرار گردیده بود هم او میتواند پادشاهی را از او بگیرد. و همین شد که خود خواهی عظیم او را از هم گسست. پادشاه حس واقعیت را گم کرد.

پس از اینکه نبوکدنصر عقل خویش را بازیافت رفتار وی چگونه بود؟ (دانیال ۴:۳۴)

○ او خدا را بخاطر از دست دادن فرمانروائیش لعن نمود.

○ او حمد و ثنا نمود خدای آسمانها را متبارک نمود و حرمت داد.

○ او بتهای بابل را بخاطر اینکه نتوانسته بودند از او مراقبت کنند سرزنش نمود.

نبوکدنصر در نهایت تصمیم درستی را اتخاذ نمود. یک تعهد و التزام درست. او با همان سوال بزرگی که برای دانیال پیش آمده بود روبرو شد — آیا یک دوست وفادار برای خدا باقی خواهد ماند؟ این سوال نهائی برای من و شماست. ما به تصمیم درست گرفتن خوانده شده ایم. آیا متعهد خواهیم شد که در کنار خدا بایستیم؟ حتی در بدترین شرایط و زمانها؟ با چه کسی بیشتر رابطه دارید — با نبوکدنصر یا سه جوان عبرانی؟ خدا بشما کمک خواهد نمود تا وفادار بمانید مثل سه مرد جوان چنانچه از او بخواهید. چرا که نه؟ همین امروز از خدا طلب کنید.

جوانی که بخاطر بیکاری و بی پولی و شرایط بد زندگی در کشورش نا امید شده بود و نزدیک بود که به بیراهه ها کشیده شود. نام خدا را بر زبان راند و از وی خواست تا قبل از اینکه زندگیش تباہ شود به او کمک کند. با خدا نشست و مصمم شد که بیراههای خدا برود. خداوند درپها را برویش باز نمود. به تحصیلات عالی پرداخت و در همان حال شغلی پیدا کرد و آنقدر ادامه داد که به مدارج عالی علمی و اجتماعی رسید. گاهی اوقات فراموش میکرد که خداوند او را پشتیبان بوده است و غرور سراسر وجودش را میگردت ولی بیدرنگ بخود می آمد و نبوکدنصر را بیاد می آورد.

ما باید روابط خود را با خدا ترمیم کنیم باید کلام خدا را مطالعه کنیم و دعای روزانه داشته باشیم. او ما را در برابر مشکلاتش روزانه استوار و قوی خواهد ساخت. ممکن است مشکلات زناشویی داشته باشیم. ممکن است یکی از عزیزانمان در بیماری باشد. ممکن است در محل کارمان درگیری داشته باشیم. خداوند وعده هایش را عملی خواهد ساخت. " پاسخ همه سوالها من هستم. نزد من آئید و من شما را آرامش خواهم بخشید" (متی ۱۱:۲۸-۳۰) را بخوانید.

نیایش

ای پدر بخاطر وعده هایت متشکرم و بخاطر اینکه در زمانهای خوب و یا سخت با من بوده ای از تو متشکرم. هم اکنون تعهد خود را نسبت به تو اعلام میدارم. شکر میگویم که نسبت به من عنایت داری و نیازهایم را برطرف میسازی. بنام عیسی دعا میکنم. آمین

مروری بر دانیال - دویدن در مسیر اشتباه - بخش سوم

کتاب دانیال نبی فصل ۵ و ۶

در میدان زندگی تنها دو مسیر برای دویدن هست. دویدن برای نجات و برد یا سرانجام شکست و باخت. وقتی بسوی شکست میدویم اینطور بنظر میرسد که در یک سرازیری با شتاب میدویم. هیچ کس و یا نیرویی نیست که ما را متوقف کند. حتی ممکن است برای مدتی از این دویدن لذت ببریم - جمعیت هلهله میکنند و قلب ما برای این تکاپو به وجد می آید. ولی چه مصیبت بار خواهد بود وقتی سرانجام دریابیم که همه دویدنها برای هیچ بود. که ما در مسیر غلط میدویم و بدور از عیسی و صلیب او.

فصل پنجم و ششم کتاب دانیال در باره دو فرد میگوید که در مسیر زندگی در جهت مخالف یکدیگر میدویدند. دانیال بطور استوار و ثابت به سمت خدائی که نسبت به او متعهد بود میدوید و یک پادشاه بنام بلشصر در مسیر شیطان میلغزید. نتایج انتخاب آن دو فرد درسی را برای ما تدارک میبندد که در باره آن بتوانیم بیندیشیم. در حالیکه بلشصر و دوستانش در اطراف گیج شده و تلو تلو میخوردند چیزی بد شگون در پشت دیوارهای بابل در حال اتفاق افتادن بود. داریوش در پوشش تاریکی شب بابل را با ارتش خود محاصره در آورده بود. این آخرین فتحی خواهد بود که مادها و پارس ها در کنار هم برای یک هدف و در یک زمان انجام میدادند. کورش کبیر همتای پارسی داریوش لحظه به لحظه قلمرو بیشتری از بابل را در حیطه خود در می آورد. اکنون بابل مانند موشی بود که در کنجی روبروی گربه گیر افتاده بود. بلشصر از خویشاوندان نبوکدنصر بعنوان فرمانروای بابل حکومت میکرد. در دوازدهم اکتبر سال ۵۳۹ قبل از میلاد او بر آن شد که میزبانی یکی از میهمانیهای بزرگ را در کاخ در دست بگیرد. مهمترین مردان بابل با همسران و معشوقه های خود در آنجا بودند. هنگامی که شراب حواس را از آن جماعت گرفت هرکسی برقص و جنب و جوش در آمد. این مهمانی زمانی بر پا شد که حدود ۲۳ سال از مرگ نبوکدنصر میگذشت. عصر طلایی بابل با جانشین نالایق رو به انحطاط میرفت. و حال برای این امپراتوری شن ها بسرعت در حال پائین ریختن در ساعت شنی بود.

بلشصر به مهمانی خود ادامه میداد بدون هیچگونه بیم و هراس زیرا او احساس میکرد که شهر او نفوذ ناپذیر است. هیچ کس فکر نمیکرد که کسی بتواند دیوارهای نیرومند بابل را بشکند. دروازه های آن قلعه هائی را در اطراف قلمرو بوجود آورده بود. انبارهای خانه هایش مملو از مواد غذایی بود و رود فرات در میان شهر جاری بود و آب شهر را بوفور مهیا میکرد. بگذارید دشمنان بیایند!

در خلال آن مهمانی مستانه بلشصر چه دستوری را به خدمتگزارانش داد؟ (دانیال ۵: ۲)

○ مشاطه گان و بزم آوران را بگوئید تا بنوازند و برقصند تا او را محظوظ نمایند.

○ ظروف طلائی و نقره ای را که از معبد اورشلیم به غنیمت گرفته بودند بیاورند.

○ غذاهای بیشتری بیاورند و ظروف خالی از غذا را پر کنند.

ظروف طلائی برای امور عبادی وقف شده بود. برای عبادت خدای آسمانها در معبد اورشلیم. این حرکت متکبرانه و ستیزجویانه آخرین شانس پادشاه را برای گریز از مصیبت از او بر گرفت.

ناگهان بانگ ترس و شیون در تالار کاخ طنین انداخت. بلشصر روی پاهای خود ایستاده و به دیوار قصر اشاره میکرد. او با شیون گفت بنگرید! عیش و نوش افسار گسیخته ناگهان به سکوتی مرگبار متبدل شد. این دیگر چیست؟ فردی نجوا کرد. صدائی

اولین خود آموز کتاب مقدس مسیحیان به زبان فارسی

خوفناک اعلان نمود: یک دست! آن یک دست میباشد!

در اوج میهمانی چه نشانه خارق العاده ای بوقوع پیوست؟ (دانیال ۵:۵)

○ در مقابل دیوار انگشتان دست مردی نمایان شد.

○ نوری درخشان تقریباً "همه را در آن سالن کور کرد.

○ فرشته از آسمان ندا داد که خداوند آخرین فرصت را به پادشاه برای توبه از گناهانش داده است.

واقعه بعدی چه بود؟ (دانیال ۵:۵)

○ دست بصورت خارق العاده بر روی دیوار واژه های عجیبی نوشت.

○ نور درخشان بشکل گلوله ای در آمده و کاخ را نابود کرد.

○ فرشته ناپدید شد و به آسمانها بازگشت نمود.

واکنش بلشصر به این واقعه خارق العاده چه بود؟

○ او این واقعه را نادیده گرفت و به مهمانانش گفت که در هراس نباشند زیرا که بتهای بابل قادر خواهند بود تا از آنان محافظت کنند.

○ او ناگهانی به میهمانی خاتمه داد و خود را پنهان نمود.

○ او بحدی وحشت کرد که دهانش باز ماند و پاهایش از ترس میلرزیدند.

بلشصر از حکیمان خود خواست تا آنچه را که بر روی دیوار نوشته شده بود تفسیر کنند. ولی آنان نتوانستند شرحی برای آن نوشته های عجیب بدهند. خبر آن حادثه در تمام کاخ پخش شد. وقتی خبر به ملکه رسید او با عجله به تالار که هنوز در تب و تاب و سر و صدای ترسناک بود وارد شد. و بسرعت وضعیت آنجا را مورد بررسی قرار داد. او از بلشصر خواست تا دانیال را برای تعبیر آن کلمات بخوانند.

وقتی دانیال رسید پادشاه به او قول داد که او را غرق در هدایا خواهد نمود و او را فرد سوم حکومت در پادشاهی نماید چنانچه او به پادشاه بگوید که معنی آن لغات چیست.

○ هدایای خود را نگاهدار. بتو خواهیم گفت که معنی نوشته ها چیست.

○ اگر قول بدهی که توبه کنی و خدای آسمانها را خدمت نمائی معنی نوشته ها را به تو خواهیم گفت.

○ تمامی سعی خود را خواهیم نمود تا تفسیر نوشته های روی دیوار را بگویم ولی ضمانت نمیدهم که در این امر توفیق خواهیم داشت.

اولین خود آموز کتاب مقدس مسیحیان به زبان فارسی

دانیال نمیتوانست پاسخ وعده های متملقانه پادشاه را بدهد. او نمیتوانست وضعیت را با هیچ کاری خوشایند نماید. او خواهد گفت هر چه که واقعیت هست. آیه های ۱۸-۲۱ را بخوانید. در اینجا دانیال بازگو خواهد نمود آنچه را که خداوند تلاش نمود در منظر عموم بلشصر را ترغیب نماید که او بایستی در برابر خداوند مقتدر تسلیم شده و او را خدمت نماید. در تمامی مدت فرمانروایی بابل بعنوان امپراتوری جهان خداوند مکرراً "به مردم بابل فرصت هائی داد تا اراده او را درک نمایند و ارتباط معنوی با او برقرار کنند. ولی بابلیان قلبهای خود را در برابر او سخت نمودند. ولی فرصتی دیگر باقی نمانده بود. انتخاب راه و دستاورد آن.

بلشصر گرچه نمیتوانست از نبود نصر عبرت بگیرد در اینحال چه اشتباه سختی را انجام داد؟(دانیال ۵:۲۲)

○ او مطمئن نبود که میراثی در بارگاه وجود داشت.

○ او در برابر خدا متواضع و فروتن نشد.

○ او قلعه های شهر را در حد لازم مستحکم نکرده بود که بتوانند در برابر حمله دشمن مقاومت کنند.

آیه ۲۳ "تو بر ضد خدای آسمانها برخاسته ای".

بلشصر به خداوند پشت نمود. او میدانست که چه چیزی درست است ولی او مسیر اشتباه را برای دویدن در جهت مسیر اصلی زندگی انتخاب نموده بود. او از خدا دور شد.

آیه های ۲۳، ۲۴ "تو به خدای آسمانها بی حرمتی کردی و جامهای خانه او را به اینجا آورده با بزرگان و زنان و کنیزانت در آنها شراب نوشیدی و بتهای خود را که از طلا و نقره و مفرغ و آهن و چوب و سنگ ساخته شده اند که نه میبینند و نه میشوند و نه چیزی میفهمند پرستش کردی ولی آن خدا را که زندگی و سرنوشتت در دست اوست تمجید نمودی. پس خدا آن دست را فرستاد تا این پیام را بنویسد. " منا ثقیل فرسین" معنی این نوشته ها چنین است: منا یعنی شمرده شده. خدا روزهای سلطنت تو را شمرده است. و دوره آن بسر رسیده است. ثقیل یعنی وزن شده. خدا تو را در ترازوی خود وزن کرده و تو را ناقص یافته است. فرسین یعنی تقسیم شده. مملکت تو تقسیم می شود و به مادها و پارس ها داده خواهد شد".

شگفتا! خداوند خود آن دست را فرستاد تا آن پیام ویژه را بر دیوار بنویسد. آن پادشاه مقتدر بایستی از سر تا به پا لرزیده باشد. آخرین چیزی که پس از آن شنید پیام خدا بود.

آیه های ۲۵ تا ۲۸ را بخوانید.

معنی آن لغات بر روی دیوار چه بود؟

اولین واژه که بر روی دیوار نوشته شد " منا " بود. دانیال در باره معنی آن چه گفت؟(دانیال ۵:۲۶)

○ خداوند روزهای تو را شمرده و آن تمام شده.

○ خداوند یک فرصت دیگر بتو برای توبه خواهد داد.

اولین خود آموز کتاب مقدس مسیحیان به زبان فارسی

○ خداوند اولین پسر تو را خواهد کشت.

○ دانیال در باره دومین واژه "ثقیل" چه گفت؟ (دانیال ۵: ۲۷)

○ خدا تو را در ترازوی خود وزن کرده و تو را ناقص یافته است.

○ تو در عوض اینکه با عدالت فرمانروائی کنی به مهمانی پرداختی.

○ تو بجای توکل به خدای آسمانها به بتهای بابل متوسل شدی.

○ دانیال در باره سومین واژه "فرسین" چه گفت؟ (دانیال ۵: ۲۸)

○ پادشاهی تو در صورتیکه توبه نکنی و خداوند را خدمت نکنی مضمحل و ویران خواهد شد.

○ پادشاهی تو بخاطر عدالت ضعیف شده و از نظر اقتصادی شکست خواهد خورد.

○ پادشاهی تو منقسم شده و به پارس ها و مادها داده خواهد شد.

○ پس از آن در همان شب چه واقع شد؟ (دانیال ۵: ۳۰)

○ پادشاهی به پسرش سپرده شد.

○ بلشصر با حمله ماد و پارس کشته شد.

○ بلشصر از گناهانش توبه کرد و به اقتدار خداوند آسمانها شهادت داد.

مورخین میگویند در شب ضیافت و خوشگذرانی بابل محاصره شد. آنان مخفیانه کانالی را در قسمت پائینی رود حفر نموده و جهت رود را به آن کانال منحرف ساختند. سربازان داریوش به رودخانه زدند و از زیر باروهای دیوارهای شهر عبور کردند و به خیابانها سرازیر شدند. و بسرعت مدافعان بابل را مضمحل کردند. و ماد و پارس بعنوان دومین امپراتوری جهان جایگزین شدند. این وقایع یک شرح اجمالی از آنچه بود که در پیشگویی فصل دوم دانیال آمده است. سر طلائئ راهی بود برای سینه و بازوهای نقره ای. بابل به این جهت شکست خورد که توسط مدافع خودش رها گردیده بود. به شهروندانش نشان داده شده بود که چه چیزی درست است ولی آنان آشکارا بر ضد خدا طغیان کردند. گاهی اوقات خداوند مجبور میشود که بگوید: دیگر بس است، کافی است. کتاب مقدس نمونه هائی را ارائه نموده است. همچنین واقعه نوح هنگامیکه سیل بنیاد هستی را بر کند نشان داده شده است. و همچنین واقع شد وقتی که در زمان لوط شهرهای سدوم و غموره با گوگرد و آتش نابود گردید. و این واقع خواهد شد زمانی که تاریخ دنیا به آخر رسد. زمانی فرا خواهد رسید که بشر سرنوشت خود را اتخاذ کند و تمامی تصمیمات برای همیشه مهور خواهد شد. بلشصر تصمیم گرفته بود که مسیر خود را از خدا جدا سازد. ولی در فصل ششم دانیال داستان متفاوت دیگری را می یابیم. وفاداری به خدا با دلیری توسط دانیال. تصمیم و عزم استوار او برای ادامه حرکت با تداوم در مسیر اراده خداوند تقابلی خشن در بلشصر ایجاد نمود که با سرسختی با نقشه الهی مقاومت کند. وقتی خودکامگی های بلشصر با اراده خداوند در تضاد در آمد او تصمیم گرفت تا پیرو هوی و هوس خود باشد. ولی وقتی دانیال مورد آزمون قرار گرفت انتخابش در نظر خدا مقبول آمد. و سوسه ها و سختیها مجبور نیستند که روح ما را تحت فشار قرار بدهند. آنها ما را قادر خواهند ساخت تا ما بیشتر رشد نموده و شبیه مسیح گردیم.

اولین خود آموز کتاب مقدس مسیحیان به زبان فارسی

در زمان پیشامد ها در فصل ششم ، دانیال به پختگی سن رسید و ۸۴ ساله شد. در اینجا مردی که زندگی پرثمرش نشان دهنده این بود که خدا میتواند مرجع پشتیبانی و ایمان باشد. کلام اشعیا ی نبی یک گواه بر زندگیش میباشد - اشعیا ۴:۴۶ "من خدای شما هستم و تا زمانی که پیر شوید و موهایتان سفید شود از شما مراقبت خواهم کرد. من شما را آفریده ام و از شما نگهداری خواهم نمود. شما را با خود خواهم برد و نجات دهنده شما خواهم بود." داریوش پادشاه دانیال را در بالاترین مقام حکومت منصوب نمود مقامی یکسان با قائم مقامی حکومت. ولی دیگر مقامات هیئت حکومت از مقام این فرد عبرانی به حسادت در آمدند- این خارجی - و شروع به دسیسه چینی بر علیه او نمودند. آنها مقام دانیال را طلب میکردند. این مردان تله ای برای دانیال آماده نموده و منتظر زمانی شدند که او در این تله گام نهد. بگذارید به نکات برجسته این داستان نگاه کنیم.

زمانی که صدر اعظم حکومت جدید پارسیان تلاش نمود تا بهانه ای برای تهمت زدن بر علیه دانیال نبی پیدا کند چه اتفاقی افتاد؟ (دانیال ۴:۶)

○ آنان او را ثروتمند و متمول یافتند بخاطر سالهای متمادی که از دولت بهره جسته بود.

○ آنان هیچ اشتباه و تقصیری بر علیه او نیافتند.

○ آنان از دانیال توطئه ای را یافتند که قصد داشت حکومت جدید داریوش را ساقط کند.

○ آنان از یافتن تهمتی معتبر بر علیه دانیال عقیم ماندند زیرا: (دانیال ۴:۶)

○ او در همه حال وفادار بود.

○ او در پنهان کردن خطاها زیرک بود

○ او دوستان زیادی داشت که اشتباهات او را پوشش داده و از او محافظت میکردند.

تنها ناحیه ای که متهم کنندگان فکر کردند که میتوانند بر علیه دانیال بکاربرند در ارتباط بود با: (دانیال ۵:۶)

○ خدمت در حکومت

○ بعد مذهبی نگاه داشتن قانون خدا

○ امور شخصی مالی

چه ترفندی را این دولتمردان حکومت بکار بستند؟ آنان پادشاه را ترغیب نمودند تا اعلان نماید که: (دانیال ۶:۶-۹)

○ هر کس که از پرستش بت شیر طفره رود از دربار ساقط خواهد شد.

○ هر کس که از روزه سی روزه سرپیچی کند ترکه خواهد خورد.

○ هر کس تا سی روز به هر خدائی سجده کند در چه شیران افکنده خواهد شد.

دانیال پس از اینکه حکم پادشاه را شنید چه کرد؟ (دانیال ۶:۱۰-۱۱)

اولین خود آموز کتاب مقدس مسیحیان به زبان فارسی

○ او از حکم داده شده سرپیچی کرد و آشکارا سه بار در روز خداوند را عبادت نمود.

○ او مخفیانه در شب هنگام عبادت میکرد تا کسی نفهمد که او چکار میکند.

○ او مصمم شد تا زمانی که فرمان معتبر است به عبادت نپردازد.

فتنه جویان لحظه ای را برای گزارش دادن به پادشاه غافل نماندند. او حکم سلطنتی را نقض کرده و خدای آسمانها را تمجید کرده بود. و مجازات آن رها شدن در چاه شیران بود. پادشاه حس کرد که هیچ انتخاب دیگری باقی نمانده است. او مجبور بود که حکم خود را نگاه دارد. حکم اجرا گردید و دانیال به چاه شیران افکنده شد. پادشاه کلمات قابل توجهی از ایمان بر زبان جاری کرد: خدای تو که همیشه او را عبادت میکنی تو را برهاند.

آیا تا بحال کسی برای بر زمین زدن شما برایتان توطئه چیده است؟ چه احساسی در این مورد داشتید؟

داریوش کسی را محکوم کرد که نمیخواست محکوم کند. زیرا پادشاه میدانست که این اصلاً "عادلانه نیست که دانیال به چاه شیران افکنده شود و او تمامی شب را بدون اینکه بخوابد در کاخ گذراند. به هر حال دانیال شب را در آرامش خوابید. این داستان تصویر روشنی بماند که چه کسی خالق صلح و سلامتی است و چه کسی آنرا میتواند پس بگیرد. تقصیر و پریشانی بیش از کار اشتباه شادی ما را به تباهی میکشاند. ولی پیروی از خداوند بما بوفور صلح و سلامتی اعطا میکند. حتی در میان سخت ترین لحظه های زندگی او ما را کمک میکند.

آیات ۱۸-۲۳ را بخوانید و سوالات زیر را پاسخ دهید.

پادشاه پس از یک روز که دانیال را در چاه شیران انداخته بود چه کرد؟ (دانیال ۶: ۱۹-۲۲)

○ او بدن دریده شده دانیال را یافت.

○ او تنها ردای دانیال را یافت که پاره شده و خون آلود بود.

○ او دانیال را زنده و غیر مصدوم یافت.

دانیال گفت که خدا چه کاری برای او انجام داده است؟ (دانیال ۶: ۲۲)

○ او فرشته ای را نازل نمود که دهان شیران را ببندد.

○ او دیوار ماوراء الطبیعه ای بین شیران و دانیال ایجاد کرد که نتوانند به دانیال آسیبی بزنند.

○ او فرشته ای را فرستاد که شیران را تا صبح در خواب عمیق فرو ببرد.

دانیال چه دلیلی را ارائه نمود که شیران به او آسیبی به وی نرسانند. (دانیال ۶: ۲۲)

○ خداوند دانیال را محافظت نمود زیرا او پیامبر برگزیده بود.

اولین خود آموز کتاب مقدس مسیحیان به زبان فارسی

○ بیگناهی و معصومیت دانیال باعث شد که چنین واقع شود.

○ دانیال مدعی شد که وعده خدا بود که هیچ چیزی نتوانست به او آسیبی برساند از بابت اینکه او خدا را پیروی میکند.

بر کسانی که این خدعه را برای دانیال چیدند چه واقع شد؟ (دانیال ۶: ۲۴)

○ آنان از مقام خود خلع گردیده و مجبور شدند که زیر نظر دانیال خدمت کنند.

○ آنان مجبور شدند از دانیال طلب بخشش کنند و قول بدهند که اجازه خواهند داد که او خدائی را که انتخاب کرده پرستش کند.

○ آنان بیدرنگ به چاه شیران افکنده شدند و توسط شیران هلاک شدند.



چه پیام قدرتمندی! دانیال با انتخابی سخت و دشوار روبرو بود. اگر او آشکارا خدای آسمانها را سجده میکرد به چاه شیران افکنده میشد. لیکن او مصمم شد تا عبادت نماید. او عبادت معمول خود را تغییر نداد یا اینکه شیوه زندگی خود را تعدیل نماید. او بزوان در نیامد. او بخدا اعتماد داشت. آیه ۱۰ بما میگوید او شکر گزاری نمود همچنانکه سنت او چنین بود. با انتظار از اینکه او توسط شیران تکه تکه خواهد شد— دانیال همچنان شکر گزاری میکرد. او به وعده خداوند توجه داشت. و همان وعده هائی که بما نیز داده شده است. آن وعده ها ما را قادر خواهد ساخت تا شبیه دانیال باشیم.

خداوند ملجا و قوت ماست و مددکار حاضر در رنجهای ما. بنابراین ما نخواهیم هراسید..."

مزمور ۴۶: ۱، ۲ "خدا پناهگاه و قوت ماست. او مددکاری است که در سختیها فوراً" به کمک ما میشتابد. بنابراین ما نخواهیم ترسید اگر چه زمین از جای بجنبند و کوهها به قعر دریا فروبریزند."

فیلیپیان ۴: ۶، ۷ "برای هیچ چیز غصه نخورید در عوض برای همه چیز دعا کنید و هرچه لازم دارید به خداوند بگوئید و فراموش نکنید که برای جواب دعاها از او تشکر نمائید."

بیاد داشته باشید دو راه برای دویدن در زمین زندگی وجود دارد. یا بسوی خدا بدوید یا اینکه در مسیر خلاف او بدوید. فکر نکنید که هیچ چیزی وجود ندارد که شما را از دویدن بسوی خدای آسمانی باز دارد. هیچ چیزی نیست که خدا نتواند آنها برقرار و مرتب کند. او متخصص در چیزی است که ما میگوئیم غیر ممکن بنظر میرسد! او میتواند بما کمک کند تا بر موانع فائق آئیم. پس بگذارید تا برای یک مسابقه خوب بدویم — و چشمان خود را بر هدف نیکو متمرکز کنیم، بر عیسی مسیح کسی که ایمان را در ما الهام میکند. عیسی وعده داد که او تمامی نیازهای ما را برطرف خواهد ساخت اگر ما ملکوت او را در مسیر درست زندگی بطلبیم (عدالت) و با تمامی دل بر او توکل داشته باشیم. اکنون چه دارید که به عیسی بگوئید؟

نیایش

پدر متشکرم از اینکه مرا دوست داری و میخواهی بخشی از زندگی من باشی. لطفاً" مر کمک کن تا اراده تو را در زندگی خود درک کنم. بتو نیاز دارم که بمن ایمان و اعتماد عطا کنی. بنام عیسی از تو تشکر میکنم. آمین

مروری بر دانیال - پرده ای بروی آینده - بخش چهارم

دانیال ۷

دو نفر از بچه های کالج بنامهای جان و رون با مشکلی بزرگ در جنگلهای گینه نو روبرو بودند. آنان ماموریت داشتند که پیام کتاب مقدس را به کمک روستائیان محلی به مردم برسانند. ولی بخاطر گم کردن راه در محلی بدون مترجم فرود آمدند. در آن مکان دور افتاده خود را تنها یافته و با مردمی بدوی که هنوز برخی از آنان آدمخواری میکردند روبرو شدند. آنها نمیتوانستند با مردم آنجا ارتباط برقرار کنند. و نمیدانستند کجا بمانند و یا چه بخورند. قرار بود یک روستائی مسیحی در آن محدوده وجود داشته باشد. ولی جان و رون نمیدانستند که چگونه با او ارتباط برقرار کنند. آنان دعا کردند که خداوند به آنان کمک کند. در یک لحظه مردی قد بلند و سفید پوست را دیدند که از میان جنگلهای مستقیماً بسوی آنان می آید. او یک اندونزیایی را به همراه خود داشت. مرد سفید پوست و همکارش برای ترجمه کتاب مقدس آمدند.

قبل از اینکه رون و جان اینرا بدانند این مردان مکانی را برای خدمت آماده کرده و جایی را برای سکونتشان مهیا کرده بودند. آنان به جان و رون کمک کردند تا همه عبارتهای لازم را که نیاز دارند بدانند یادداشت کنند. با گذراندن ساعتها بر روی دیکشنری و فرهنگ لغات آن دو مرد گفتند: بعداً "شما را خواهیم دید و مجدداً" بطرف جنگل رفتند. پس از اینکه آنان در میان جنگل ناپدید شدند راز این مکان شروع به کشف شدن نمود. آن دو مرد نه کوله پشتی داشتند و نه تجهیزات. چندین روز مسافرت با زحمت در میان جنگل بطول میکشید تا به شهری برسند. رون و جان نمیدانستند به کجا آمده اند و به کجا خواهند رفت. بنظر میرسید آن دو مرد دقیقاً "در زمان نیاز تنها از آسمان نازل شده بودند. رون و جان قادر شدند که پیام انجیل را برسانند. در تمام آن مدت آنان حس میکردند که فرشتگان در کنار آنان هستند.

خداوند بجای ما میتواند از روشهای ماوراء الطبیعه استفاده کند. او بما توجه دارد و به اشتیاقات ما نظر دارد و قدرت خویش را برای خیریت ما بکار میبرد. شیطان همیشه سعی میکند تا در برکنتهای خدا مداخله کند. و ما از این شگفت زده هستیم که چرا او اجازه داد تا این مداخله انجام شود. اما خداوند در نهایت برنده زمان است و شیطان بازنده زمان خواهد بود. در دانیال ۷ خداوند بما یک نگاه اجمالی از حوادث آینده را خواهد داد که بطرف اوج تاریخ الهی پیش خواهد رفت. خداوند آسمانی محبوب میخواهد بما اطمینان دهد که در نهایت بکجا خواهیم رفت. آری! گاهی اوقات قادر به دیدن راهنماییهای خداوند نیستیم. این بسیار سخت است که فرزندی از سرطان خون بمیرد. شنیدن خبر قتل یک دانش آموز توسط همکلاسی اش سخت خواهد بود. ولی خداوند بیش از همه ما از این وقایع حزن انگیز رنج میکشد. او حتی بیش از این در جراحیهای گناهان ما را میکشد. و خداوند در حال برنامه ریزی برای رفع گناه است. بنابراین پس از رفع آن هرگز دوباره اتفاق نخواهد افتاد.

بگذارید ببینیم چه اطلاعاتی را خداوند در دانیال ۷ بما داده است که کمک خواهد کرد تا بفهمیم چه قطعه هایی از زندگی را باید بهم جور کنیم. در پایان دانیال ۵ بلشصر توسط نیروهای ماد و پارس سرکوب شد. دانیال ۷ به زندگی گذشته پادشاه اشاره ای میکند. و ما را به اولین سال حکومتش در حدود ۵۳۵ قبل از میلاد باز میگرداند. در آن زمان ۹ سال از مرگ نبوکدنصر میگذشت. دانیال مردی میانسال و هفتاد ساله بود. او رویای مجسمه را که از فلزات گوناگون ساخته شده بود در حدود پنجاه سال پیش از این تعبیر کرده بود.

آن رویای نبوی که هر پادشاهی دیگر پادشاهی را خواهد بلعید در یک نگاه اجمالی سخت بنظر میرسید. بسیاری از مردم در مراحل جنگها قصابی شدند. ولی بیاد داشته باشید که خداوند به مردم یک نگاه اجمالی را از قبل میدهد که بدانند در آینده

اولین خود آموز کتاب مقدس مسیحیان به زبان فارسی

چه در انتظار دنیا خواهد بود. او دلیل این نزاعها نبود. بطور ساده او در حال انجام اعمالی بود که باعث عاقبت به خیری شود. او با مردم به درستی سخن گفت که بدانند چه بر دنیا واقع خواهد شد. خداوند چنین است. این همان نوع ارتباطی است که او میخواهد با یکدیگر داشته باشیم. صمیمیت خالصانه تنها وقتی اتفاق می افتد که رابطه آشکار و صحیح (خالص و بی ریا) است. حتی در نبوتهای تاریک خداوند بارقه های امید و عشق را بما تابانید تا بفهمیم که آرزوی او این است که گناه و رنج را برای همیشه از زندگی ما از میان بردارد. بگذارید به چند یادآوری نگاه کنیم:

دانیال ۷: ۱۴ - "و اقتدار و جلال و قدرت سلطنت به او داده شد تا همه قومها از هر زبان و نژاد او را خدمت کنند. قدرت او ابدی و سلطنتش بیزوال است."

آیه ۱۸ "ولی سرانجام برگزیدگان خدای متعال تا ابد قدرت سلطنت را بدست خواهند گرفت.

آیه های ۲۶، ۲۷ "اما پس از آن داوری آغاز خواهد شد و قدرت سلطنت این پادشاه از او گرفته شده بکلی از بین خواهد رفت. آنگاه قدرت و عظمت تمام سلطنتهای دنیا به برگزیدگان خدای متعال واگذار خواهد شد."

وعده های خداوند به یک نکته قوی اشاره خواهد داشت: او ظفر خواهد یافت. امت او پیروز خواهد شد. شیطان و گناه شکست خواهند خورد و ناپدید خواهند شد. در این زمان ممکن است سختی وجود داشته باشد ولی پایانی ارزشمند خواهد داشت. تصور کنید که دانیال در رختخوابش پیچ و تاب میخورد. وقتی میخوابد فکر میکند که این خواب نیز همچون خوابهای دیگر است. اما خواب بسیار عجیبی مبیند. خوابی که هرگز فراموش نخواهد کرد. دانیال در کناره ساحل است. یک واقعه خطور میکند. در میانه این آشوب شیری از تاریکی پدیدار میشود و بسوی ساحل یورش میبرد. بزودی دانیال هیکل شیر را مبیند که با گامهای بلند بر سطح دریا میخرامد. سه حیوان عجیب دیگر از دریا به بیرون میجهند. این خواب چه معنایی دارد؟ این چهار جانور بزرگ چهار پادشاه هستند که بر زمین سلطنت خواهند کرد. آیات ۱۸-۲۲ بما میگوید که بعد از اینکه حکومت این چهار سلطنت پایان رسید سپس ملکوت خداوند برپا خواهد شد. آیا با این مطلب آشنا هستید؟ آیا دانیال ۲ را بیاد می آورید در باره رویای نبوکد نصر در خصوص آن مجسمه که از چهار فلز ساخته شده بود؟ خداوند اکنون میخواهد خلاء اطلاعاتی را با این مطلب پر کند. بگذارید ببینیم که خداوند چه اخباری را میخواهد برایمان آشکار سازد.



در رویایی که دانیال دید اولین حیوانی که از دریا بیرون آمد چه بود؟ (دانیال ۷: ۴)

اولین خود آموز کتاب مقدس مسیحیان به زبان فارسی

○ خرسی با ده چشم

○ شتری با بال بر روی کوهان

○ یک شیر با بالهای عقاب

این شیر با شیرهای دیگر که در باغ وحش میبینید متفاوت است. او بالهای یک عقاب را دارد. این معرف پیروزی سریع میباشد. ولی این شیر بالهایش را از دست میدهد و شبیه انسان میشود. این پادشاه بی باک و تندخو به فردی آسیب پذیر مدد میدهد. این نشان دهنده از دست دادن قدرت میباشد و از دست دادن ظفر. و این همان است که در بابل اتفاق می افتد. او امپراطوری را به ماد و پارس واگذار نمود. جالب توجه اینکه باستان شناسان ، بابل باستانی را (۵۳۹-۶۰۵ قبل از میلاد) کشف کردند. که اغلب با سکه های شیر بالدار و نقوش حجاری شده بر روی دیوارها نمایش داده شد.

دومین حیوان خرس بود که با سنگینی از دریا بیرون آمد. این خرس در یک طرف قوز داشت.

دومین حیوانی که دانیال در رویا دید چه بر دهان داشت؟ دانیال ۵:۷

○ یک بره

○ سه دنده

○ دندانهایی از برنز

خرس معرف پادشاهی ماد و پارس (۵۳۹-۳۳۱ قبل از میلاد) بود. قوز در یک طرف سمبل این واقعیت بود که پارسها قدرت بیشتری از مادها داشتند. سه دنده معرف کشورهای بابل و لیدیه و مصر که ماد و پارس قبلاً آن را فتح کرده بودند بعنوان یک امپراطوری بزرگ بود.

حیوان بعدی که از دریای تیره بر آمد یک یوز پلنگ بود (آیه ۴).

پلنگ معرف اسکندر مقدونی فرمانروای یونان (۳۳۱-۱۶۸ قبل از میلاد) بود. که جای ماد و پارس را گرفت. این پلنگی با یک (دی-ان - DNA) خاص بود که چهار بال در پشت و چهار سر داشت. بالها معرف سریع بودن در پیروزی بود. پس از مرگ اسکندر امپراطوری او به چهار قسمت شد که سمبل آن چهار سر پلنگ بود.

چهارمین حیوانی که پس از پلنگ از دریا بر آمد چه بود؟ دانیال ۷:۷

○ جانوری وحشتناک با دندانهای آهنی

○ یک گرگ دو سر

○ یک بره

اولین خود آموز کتاب مقدس مسیحیان به زبان فارسی

آن جانور وحشی دندانهای آهنی داشت که میتوانست هر متخاصمی را بدرد و زیر پا لگد مال کند. کدام قدرت عظیم پس از یونان در ۱۶۸ قبل از میلاد بر روی کار آمد؟ روم. ولی روم سرانجام واژگون خواهد شد همانطور که دیگر امپراطوریهها منهدم شدند. در فصل دوم دانیال این امپراطوری شاخه شاخه شده روم با پاهای مجسمه تصویر گردید که با مخلوطی از گل و آهن درست شده بود. ولی در این فصل چند دستگی با شاخها معرفی شده است. این ده شاخ (مثل ده انگشت پای مجسمه) سمبل اقوام اروپائی است که پس از فروپاشی امپراطوری روم پدیدار گشت. روم با قدرت امپراطوری دیگر منهدم نشد. ولی با تاخت و تاز قبایل بربر شمال از درون به انحطاط گرائید. اما همچنان جزییات دیگری را در دانیال ۷ مبینیم. بخشی از یک تصویر نبوتی که قبلاً در آن نبود. آیه ۸ بما میگوید که یک شاخ کوچک از میان ده شاخ بیرون آمد. همچنان که این شاخ کوچک رشد میکرد سه شاخ دیگر را در کنارش از بین برد. تاریخ نمایانگر این است که این سه شاخ منهدم شده معرف سه قبیله میباشند. هرولی و استروگوث و واندالها - که با قدرتی که از میانه روم برخاست آنان را منهدم نمود. دانیال این قدرت را به شاخ کوچک تشریح میکند که دو چشمان انسان و دهانی داشت که بر ضد خدای متعال سخن میگفت. (آیه ۲۵).

دانیال شدیداً درباره تعیین هویت شاخ کوچک کنجاکو بود. در آیه ۱۹ او بیان نمود که او میخواست حقیقت را در مورد جانور چهارم و شاخ کوچک بدانند. بگذارید به خلاصه ای از صفات مشخصه شاخ کوچک بپردازیم.

الف- چشمان بشری داشت (آیه ۸)

ب- دهانی داشت که بر ضد خدای متعالی سخن میگفت (آیه ۸)

پ- سه شاخ (حکومت) دیگر را واژگون ساخت (آیه ۸)

ت- نسبت به شاخهای دیگر ابهت بیشتری داشت (آیه ۲۰)

ث- برضامت خدا جنگید و در دوره هایی از زمان مستولی شد (آیه ۲۱)

ج- امت خدا را آزار و جفا رساند (آیه ۲۵)

چ- تلاش نمود تا زمان و قانون را تغییر دهد (آیه ۲۵)

ح- بر ضد امت خدا بر آمد و بمدت زمانی و دو زمان و نصف زمان "۳/۵ سال" غالب شد (آیه ۲۱)

خ- قلمرو و قدرت آن زوال خواهد یافت (آیه ۲۶)

د- سر انجام پادشاهی و قلمرو آن به امت خدا سپرده خواهد شد (آیه های ۲۶, ۲۷)

در واقع شاخ کوچک یک قدرت سیاسی بود. اما صفات منحصر بفرد آن شاخص این مطلب است که او بیش از یک نهاد سیاسی نبود. این قدرت با مذهب سر و کار زیادی دارد و تلاش زیادی نمود تا قانون خدا را تغییر دهد و امت خدا را جفا برساند. مردم قوانین دولتی را در طول زمان تغییر داده اند. اما این قدرت چیزی را بیش از این انجام میدهد. در واقع این شاخ کوچک که به امت خدا حمله میکند میگوید که قانون در جستجوی تغییر قانون خداست.

اولین خود آموز کتاب مقدس مسیحیان به زبان فارسی

آیا در تاریخ مدرکی وجود دارد که با دقت به تعیین هویت شاخ کوچک بپردازد؟ یک قدرت سیاسی - مذهبی را باید بیابیم که با انحطاط قدرت روم برخاست. باید بیابیم کدام قدرت توانست سه حکومت را از ده حکومت اروپائی در هم شکنند. این باید قدرتی باشد که از نیروی حکومت بهره جسته و همچنین از اقتدار و مجوز کلیسا بهره مند است. آن قدرتی است که میتواند کسانی را که فرمان او را به زیر سوال میبرند جفا برساند. آیا چنین قدرتی را در تاریخ سراغ دارید؟ تاریخدانان میگویند: از ویرانه های حکومت روم یک امپراطوری روحانی در غالب یک شکل گول پیکر از کلیسای روم برخاست. آری مستندات نشان میدهد که کلیسای روم قرون وسطی با این شرح کاملاً "مطابقت دارد و قدرت حکومت را بخوبی تحت سلطه خود بخوبی اداره کرد. و دیگران را بعنوان مرتد مورد بازخواست و شکنجه قرار داد و خود را "حقیقت" نامید. کلیسا در نقش سیاسی - مذهبی با این تصویر مطابقت دارد. رسوم بشری - شورای کلیسا - و حکم های ساخته دست بشر بجای کلام خدا قدرت نمائی خواهد نمود.

پیشگوئی(نبوت) برای چه مدت میگوید که شاخ کوچک حکمرانی خواهد کرد؟ دانیال ۷:۲۵

○ برای دوازده سال و نیم

○ برای زمانی و دو زمان و نصف زمان

○ برای دویست و شصت سال

این دوره به ۱۲۶۰ روز نبوتی در مکاشفه ۱۲:۶-۱۴ منسوب میشود. وقتی ما این متون را در کنار یکدیگر میگذاریم اشاره به دوره ای از زمان است و قابل محاسبه میباشد.

۳۶۰ روز نبوتی = یک زمان(سال)

۷۲۰ روز نبوتی = زمانها(دو زمان)

۱۸۰ روز نبوتی = نصف زمان(نیم سال)

۱۲۶۰ روز نبوتی = جمع داده ها

در نبوت کتاب مقدس یک روز نبوتی برابر است با دقیقاً "یکسال(اعداد ۱۴:۳۴؛ حزقیال ۴:۶). در دانیال ۴:۲۳ آموختیم که(هفت مرتبه) برای نبوکد نصر پیشگوئی شد که برابر با هفت سال شعور خود را از دست خواهد داد. یک (زمان) بنابراین این برابر است با (یکسال). در تقویم یهود یکسال ۳۶۰ روز است. اگر همه این اطلاعات را بحساب بیاوریم میتوان نبوت را کشف نمود. قدرت (شاخ کوچک) یا قدرت کلیسائی - حکومتی جایگزین رسوم بشری برای کلام خدا و قوانین انسانی جایگزین قوانین خدا خواهد شد. سیستم اعمال معرفی گردید که نقشه خدا را برای آمرزش و رستگاری بجای فیض مبهم جلوه نماید.(توضیح: انسان نمیتواند با اعمال خود رستگار شود بلکه تنها فیض خدا باعث رستگاری انسان میشود).

وقتی امپراطوری روم بت پرست دنیا را حکمرانی نمود تنها یک کلیسای مسیح وجود داشت. و تنها کلیسای واقعی برای قرنهای پس از مرگ مسیح. وقتی امپراطور کنستانتین مسیحیت را پذیرفت او اعلان نمود که تنها دین رسمی دین مسیحیت است. روم جهان را فرمانروائی کرد. و بنابراین مسیحیت بعنوان یک دین جهانی در آمد. ولی همانطور که مشاهده کردیم

اولین خود آموز کتاب مقدس مسیحیان به زبان فارسی

آن کلیسا به تاهی کشیده شد. دانیال ۷ اشاره نمود - و تاریخ آنرا تأیید نمود - قدرت کلیسائی جانهای بسیاری را گرفت و بخاطر این بسیاری از ایمانداران که مشتاق برای ترمیم و بهسازی کلیسا بودند گریستند. رهبران کلیسا از مقام خود سوء استفاده کرده و توده ها را استثمار نمودند. راهبان و کشیشانی همچون مارتین لوتر و جان هس دیگران را برای بازگشت به انجیل ناب باز خواندند. آنان اساس اعتراض خود را بر مبنای ماخذ کلام خدا عنوان کردند. بدلیل سوءاستفاده ها - مارتین لوتر لیستی از ۹۵ مقاله را توزیع نمود و اشتباه بودن اصول تعلیمات کلیسا توسط افسران کلیسا را تشریح نمود و آنرا بر درب کلیسای شهر "وینتنبگ" آلمان نصب نمود. پیروان مارتین لوتر و هس و دیگر اصلاح طلبان سر انجام "پروتستانت" یا معترضین خوانده شدند و مسیحیت به دو شاخه تقسیم شد: رومن کاتولیک و پروتستان. البته بسیاری از ایمانداران مخلصی وجود داشتند که در کلیسای کاتولیک باقی ماندند و همچون مسیح به خدمت خود ادامه دادند. اما این نبوت در باره "شاخ کوچک" متمرکز بر فساد در مراتب عالی و تحریف حقیقت خدا که کلیسا را به قدرت ستمگر و ظالم تبدیل نمود. کلام آن قسمت را که کلیسای خدا به اصول خیانت نمودند را پوچ میدانند. جزئیات بیشتر در خصوص "شاخ کوچک" و دانیال ۷ در درس ۱۵ گفته شده است.

مطابق با شرح داده شده در دانیال چه واقعه ای در انتهای ۱۲۶۰ روز / سال خواهد افتاد؟ دانیال ۷:۲۶

○ داوری انجام خواهد شد و شاخ کوچک نابود خواهد گردید

○ شاخ کوچک به عظمت خواهد رسید و تمام دنیا را حکمرانی خواهد نمود

○ شاخ کوچک امت خدا را جفا داده و سعی در نابودی آنها از روی زمین دارد

در میان حاکمیت شاخ کوچک دانیال یک کنگره داوری آسمانی دید. (آیه های ۹-۱۴ و ۲۲ و ۲۶-۲۸).

این تصویر تازه به داوری نهایی در آسمان اشارت دارد. پس از خاتمه ۱۲۶۰ سال منتسب میشود به آیه ۲۵ که داوری عظیم برپا خواهد شد و بررسی در مورد زندگی مردم شروع خواهد گردید. موضوع چیست؟ قبل از اینکه عیسی بزمین بازگردد باید آشکار شود که چه کسی پذیرفته و چه کسی پذیرفته نیست. این سوالی بزرگ است. برای عیسی چه کرده ای؟ این تحقیق و بررسی برای داوری خوانده میشود زیرا سوابق ضبط شده در آسمان مورد بررسی قرار میگیرد. بنابر این همه خواهند دید که کسانی که نجات یافته یا نیافته اند خودشان انتخاب کرده اند. خداوند منصف و عادل است و مهربان و با محبت و این کار ویژه قبل از بازگشت او به زمین بنا کننده آن واقعیت برای همه دنیاست. آیه ۲۲ اظهار میدارد که بیداد و ستم برضد امت خدا در نهایتاً پایان خواهد یافت - و ملکوت آسمان به مسیحیان داده خواهد شد. خداوند و صفات او برای همیشه محق و ثابت خواهند بود. (دروس ۵، ۶ دیدگاه بیشتری در رابطه با داوری خواهند داد).

آیه ۲۷ بما میگوید وقتی داوری بر پا شد سپس قلمرو این قدرت ستمکار رو به آخر خواهد رسید و سلطنت دیگر، ملکوت خدا خواهد بود. برای چه مدت این تصویر میگوید که ملکوت خدا برقرار خواهد ماند؟ (دانیال ۷:۱۴، ۲۷)

○ برای هزار سال پس از نابودی قدرت شاخ کوچک

○ تا زمانیکه شاخ کوچک با شیطان بر علیه امت خدا متحد شوند

○ برای همیشه

اولین خود آموز کتاب مقدس مسیحیان به زبان فارسی

واژه کلیدی در فصل ۷ "حکومت و قلمرو" میباشد. (آیه های ۶، ۱۲، ۱۴، ۲۶، ۲۷). چه کسی حکمرانی خواهد نمود؟ چه کسی بر دنیا فرمانروائی و سلطه خواهد داشت؟ نیروهای سیاسی و مذهبی در نزاع بر سر قدرت میباشند. اغلب حقوق حقه ساکنان زمین را پایمال نموده و به مسیحیان خشونت نشان میدهند. لیکن خداوند قدرت خود را رها نموده است. قلمرو و اقتدار ستمگران از آنان گرفته خواهد شد. و مرحمت داوری نصیب امت خدا خواهد گردید. عیسی پیروز است!

تاریخ و ۱۲۶۰ سال حکومت کلیسای رومن کاتولیک

از مجله نیوزویک با مرجع زیر:

مجله نیوزویک - ۲۹ مارچ ۱۹۹۹ صفحات ۶۳، ۶۲

میراث مسیحیت قرون وسطی طرف تیره ای هم داشت. گرچه عهد جدید فهرستی برای جامعه مسیحیان نداشت مسیحیت قرون وسطی یک تلاش طولانی نمود تا آنرا بنیان گزارد. اصول تعلیماتی که کلیسا بیان میکرد آن اصولی بود که پادشاه تحمیل میکرد. حتی آگوستین بدون میل کلامی را منعقد نمود که بازوی دنیایی جامعه میتواند برای شکستن ارتداد بکار گرفته شود. کاری بر فرض مقدم که اشتباه جایز نیست. کلیسا تفتیش عقاید را ایجاد نمود. جوخه هایی از فرانسیسکانز و دومینیکانز را برای کاوش در مورد ارتداد اعزام نمود. در سال ۱۲۵۲ پاپ مقدس چهارم اجازه داد که متهمین شکنجه شوند. یالینکه متهم به زندان یا حتی به مرگ محکوم میشد. استنطاق و تفتیش عقاید مذهبی بعنوان یک لوح تاریخی باقی ماند و یاد آور این نکته بود: معجون مذهب و سیاست چها خواهد نمود. هزاران سال پیش، پیشگویی کتاب مقدس بطور محکم اعلان نمود که پس از ۱۲۶۰ سال چه بر سر کلیسا خواهد آمد. این بررسی نیوزویک است که غیر عمدی تأیید میکند که چطور نبوت بطور دقیق کامل شد.

شروع و خاتمه تاریخ ۱۲۶۰ سال پیشگویی

پایان حاکمیت سه طایفه (سه شاخ) ریشه در اوستروگوث در ۵۳۸ بعد از میلاد دارد. این علامتی از قیام "شاخ کوچک" و علامتی مبنی بر شروع ۱۲۶۰ سال نبوت دارد. اضافه کردن ۱۲۶۰ به ۵۳۸ بعد از میلاد ما را به تاریخ ۱۷۹۸ میبرد. این سال انحطاط قدرت "شاخ کوچک" را نشان میدهد.

جفا و ستم بر علیه امت خدا

حتی اگرچه نبوت دانیال ستمگری کلیسای قرون وسطی توسط کلیسای رومن کاتولیک را برجسته میسازد. شاخ کوچک باید بخاطر آورد که پروتستانها نیز قیام نموده و بر ضد آنان جنگیدند. در سالهای اخیر در اطراف دنیا زد و خورد و کشتار و قساوت زیادی وجود داشته است. مردم زیادی کشته و یا مجروح شده اند فقط بنام مذهب. ارتکاب همه این وحشی گری ها بنام مسیحیت بوده است.

خداوند به هر حال میخواهد که بفهمیم ستمگری شاخ کوچک مهیب و خوفناک بوده است. و این معرف حد اعلای اتحاد بین کلیسا و حکومت در یک قدرت جور پیشه بود. تاریخدانان در تخمین هایشان برای جفای مردم یا مرگشان در دوران سیاه متفاوت نظر داده اند. همه موافقند که دهشت و تفتیش عقاید و کشتار سنت بارتولومو و جنگهای صلیبی والدنسیا و آلبیگینز و دیگر کردارهای ستم گرانه حکومتی یک فصل سیاه را در تاریخ کلیسا نمایان میسازد. وقتی به مستندات تاریخ

اولین خود آموز کتاب مقدس مسیحیان به زبان فارسی

می اندیشیم بسیار مهم است که بفهمیم پیشگوییهای کتاب مقدس در باره شاخ کوچک در سیستم مذهبی هدمند بود. نتیجه اینکه ایمان داشتن به مسیح و پیروی از وی اهمیت دارد نه اینکه پیرو ایمانداران دیگر و رهبران کلیسا باشیم.

پیشگویی دانیال راهی است برای خدا که در مورد اعمال شاخ کوچک بما هشدار دهد. اما بیاد داشته باشید که خداوند در نهایت همه چیز را تحت کنترل دارد. آیه ۲۶، ۲۷ تاکید بر این واقعیت دارد که سلطه این قدرت بطور قاطع بی پایان خواهد رسید. کدام واقعه عظیم بعد از شاخ کوچک بوقوع خواهد پیوست؟ ملکوت جاودان خدا بنیان گزارده خواهد شد. آیه ۲۷ بما میگوید که: آنگاه قدرت و عظمت تمام سلطنتهای دنیا به برگزیدگان خدای متعال واگذار خواهد شد ... و تمام پادشاهان جهان او را عبادت و اطاعت خواهند کرد.

اگر در باره درک برخی از جزئیات دانیال ۷ به مشکل برخوردید مطمئن باشید که شما تنها فرد نیستید! در آیه ۲۸ دانیال خودش گفت که او آشفته و رنگ پریده بود. هیچ کس دوست ندارد که رنج و ستمگری در دنیا وجود داشته باشد. بسیار مشکل است تصور اینکه مسیحیان بر علیه یکدیگر جور و ستم کنند. لیکن این بخشی از آن بلائی است که گناه خلق نمود. این میراث تمرد و طغیان علیه خداست. شیطان در پشت تمامی خصومت ها و کینه هاست. ولی این خداست که برای اتحاد و صلح بطور خستگی ناپذیر کار میکند.

مرتضی با معدل خوبی از یکی از دبیرستانهای جنوب تهران دیپلم گرفته بود. مرگ پدرش تاثیر بدی بر او گذاشته بود، و نتوانست در آزمون سراسری دانشگاهها شرکت کند. افسردگی او را خمود و عبوس کرده بود. به خیابان میرفت و بدون هدف قدم میزد. روزی چند بچه محل دورش را گرفتند و به او سیگار تعارف کردند. او قبول نکرد ولی آنان اصرار کردند و او اولین سیگار را بر لب گذاشت. مدتی نگذشت که همان بچه ها به او حشیش تعارف کردند. او گفت این را دیگر نمیتوانم قبول کنم ولی با اصرار آنها او قبول کرد. و پس از مدتی وقتی بخود آمد که دیر شده بود. کسی که حتی از سیگار بدش می آمد به تزریق هروئین روی آورده بود.

روزی تمام بدنش درد گرفته بود. پولی نداشت که هروئین بخرد. نزد همان بچه محلی هایی رفت که او را به این مرحله رسانده بودند. از آنان مواد خواست ولی آنان بر سرش فریاد کشیدند که بدهی هایش را باید بدهد و او را کتک زده و بلندتر بر سرش فریاد کشیدند.

در کنار یک کتابفروشی بر زمین افتاده بود. تنها چاره برایش این بود که کاغذی را پیدا کرده آتش زده و دود آنرا استنشاق کند. جعبه ای را دید که پر از کتابهای فرسوده بود. یکی از کتابها را در آورد. از میان آن ورقی را پاره کرد. وقتی بدنبال کبریت میگشت این جمله را خواند: ... اما ایشان بلندتر فریاد زدند... بخود آمد و کتاب را دید: آن کتاب مقدس بود. این آیه به او انرژی و قوت داد که تصمیم بگیرد برای همیشه مواد مخدر را ترک کند. او هم اکنون بعنوان یکی از خادمان بشمار میرود.



مروری بر دانیال - راستی پیروز است - بخش پنجم

دانیال ۸

در دوران خاتمه روزهای جنگ جهانی دوم دیتریش بونهوفر الهیات شناس آلمانی از یکی از سلولهای بازداشتگاههای سیاسی به بیرون اسکرت شده و به جرم خیانت از طناب دار آویخته شد. در آن زمان بنظر میرسید که جنون هیتلر همه آلمان را مسحور خود نموده است. تعداد کمی از مردم بر علیه آنچه که نازیها در آلمان انجام میدادند فریاد اعتراض برمی آوردند. ولیکن بونهوفر نمیتوانست سر تعظیم بر صلیب شکسته نازیها فرود آورد. او گروهی از ایمانداران را سازماندهی کرده

اولین خود آموز کتاب مقدس مسیحیان به زبان فارسی

بود. آنهاربویت و حقانیت عیسی مسیح را در زمانی اقرار و وعظ میکردند که عقاید تعصب آمیز نازیها حقیقت را وارونه جلوه میداد. وبونهور بر ضد هیتلر برنامه ریزی کرده بود محکوم به مرگ شد.

دهه های بعد در سال ۱۹۹۶ کشور آلمان بسیار تغییر کرده بود. آلمانها در تلاش بودند تا اعمال دهشتناکی را که هیتلر توسط نازیها مرتکب گردیده بودند بهبود بخشیده و اصلاحاتی را انجام دهند. در آن سال دادگاه برلین اعلان نمود که دیتریش بونهور بی گناه بوده و از جرم خیانت مبرا است. او به کشورش خیانت نکرده بود. در عوض او برای عدالت ایستاده بود. کتاب دانیال باب ۹،۸ یک چنین داستان غم انگیزی را ارائه مینماید. شیطان تلاش نموده بود که تمام دنیا را مسحور نموده و همه جا را تحت کنترل خود بگیرد. او کسی است که بطور ممتد به شخصیت خداوند و امتش حمله نموده است. شیطان پدر دروغ است. اما خدا همچنان بر بیان حقیقت استمرار میورزد. او برای صلح و عدالت همواره تلاش میکند. و روزی کل جهان ظفر و حقانیت خداوند را در این دنیا جشن خواهد گرفت. آیا احساس میکنید که گهگاه مورد حمله قرار گرفته اید؟ آیا بنظر میرسد که زندگی منصفانه با شما رفتار نمیکند؟ ممکن است ازدواجتان رنجهای بسیاری را برایتان سبب گردیده است. ممکن است نگرانی دائمی در خرج و دخل شما را اسیر نموده باشد. همان لحظه که مقداری پول پس انداز کرده اید اتومبیلتان خراب میشود یا یخچالتان از کار می افتد. ممکن است نتوانید بکارتان ادامه دهید و شخص دیگری در عوض شما پاداش دریافت میکند. کتاب مقدس میخواهد بدانید که خبرهای خوشی وجود دارد. هر بیعدالتی که الان تحمل میکنیم متعاقباً با ظفر حقیقت خداوند پایان خواهد رسید. هیچ ترحمی بی اجر نخواهد ماند و هیچ عمل خوبی فراموش نخواهد شد. شما به جمع برندگان خواهید پیوست چنانچه به خداوند متمسک شوید. دانیال باب ۹،۸ داستان شماس و مکتوب گردیده تا ثابت کند که خداوند با شماست.



دانیال باب ۲ گستره ای وسیع و اجمالی از پادشاهی ها را با نشان داد که میتوانست بر تاریخ جهان تفوق یابد. دانیال ۷ فهرستی مشابه را عرضه نمود ولی با نمادهای مختلف. ولی مشخص نمود که چطور امت خدا توانست توسط قدرتی متشکل از حکومت و کلیسا مورد فشار و حمله قرار گیرد. قدرتی که بجای حقیقت کتاب مقدس افکار بشری را جایگزین ساخته بود. در دانیال ۸ جزئیات بیشتری را پوشش خواهیم داد. خواهیم دید که حقیقت بر باطل بیش از پیش پیروز میشود آنچنانکه در کلام گفته شده و امت خدا بسوی دروازه های توبه و استغفار خواهند رفت و عدالت واقع گردیده و امت خدا برای بهشت آماده خواهند گردید.

فصل ۸ رویای دیگری را که خداوند به دانیال نشان داد بازگو میکند. در این رویا دانیال خود را در پایتخت شوش می یابد که در مقابل رود اولای ایستاده است. به آنطرف رودخانه مینگرد. یک قوچ را میبیند که با وقار در فراسوی کرانه ایستاده است. این یک حیوان معمولی نیست. مانند وحوش دیگری که در نبوتها گفته شده دارای صفات جالبی است. دو شاخ بزرگ در دوطرف سر بر آمده. یک شاخ کمی دیر تر از دیگری رشد میکند ولی از اولی بزرگتر میشود. این قوچ حیوان قدرتمندی است. و بخش های شمالی و جنوبی و غربی را در بر گرفته است.

اولین خود آموز کتاب مقدس مسیحیان به زبان فارسی

در حالیکه دانیال شیفته آن منظره شده بود یک بز نر از سمت غرب میتازد. این بز یک تکشاخ دارد که در مابین چشمهایش بیرون آمده. آن بز قوی است و مانند تندر حرکت میکند. گویی که پاهایش بر زمین نمی ساید. بز به قوچ حمله میکند و هر دو شاخ قوچ را میشکند. سپس قوچ را بر زمین میزند و پایمال میکند. این بز نر به قدرتی میرسد که حیوان دیگری قادر به شکست آن نیست. ولی در اوج اقتدارش تکشاخش میشکند و در عوض چهار شاخ دیگر جایگزین میشود. در میان این شاخها یک شاخ کوچک رشد میکند. (آیه ۹). این شاخ کوچک چندین کار انجام میدهد:

- به جنوب و شرق و سرزمینهای مقدس مستولی می شود. (آیه ۹)
- آنقدر قوی شد که بر ضد قوای آسمانی برخاست. (آیه ۱۰) منظوران قوای آسمانی و ستارگان قوم خدا و رهبران قوم میباشد.
- لشگرها و ستارگان را به پائین میکشاند و آنها را پایمال میکند.
- خود را متعالی ساخته و شاهزاده سپاهیان میشود. (آیه ۱۱)
- قربانیهای روزانه را برچیده و مکان مقدس را متزل میکند. (آیه ۱۱)
- بخاطر گناه قوم به او اجازه داده شد قوی شود و مانع تقدیم قربانیهای روزانه گردد. (آیه ۱۲)

در این رویا دانیال دید که دو فرشته با یکدیگر سخن میگویند. یک فرشته پرسید "تا چه مدت قربانیهای روزانه تقدیم نخواهد شد؟ تا به کی شرارت باعث نابودی خواهد بود؟ تا به کی قوای آسمانی و خانه خدا پایمال خواهد شد؟ فرشته دیگر پاسخ داد: دو هزار و سیصد روز طول خواهد کشید و در این مدت قربانیهای روزانه صبح و عصر تقدیم نخواهد شد. سپس خانه خدا دوباره احیا خواهد گردید". (آیه های ۱۳, ۱۴)

در کلامی دیگر اولین فرشته آنچه را که شاخ کوچک انجام داد مشاهده نمود علی الخصوص آنچه را که بر مکان مقدس و قربانیها انجام داد و او خواست که بداند چه مدت هتک حرمت به مکان مقدس خداوند صورت خواهد گرفت و کی پایان خواهد رسید و کی خانه خداوند احیا خواهد گردید. پاسخ این است که احیا پس از ۲۳۰۰ سال صورت خواهد پذیرفت.

دانیال ۸: ۱۵-۱۹ را بخوانید.

دانیال چه کاری برای دانیال انجام داد؟ (دانیال ۸: ۱۵, ۱۶)

○ او را مطمئن ساخت که خدا از این رنجها و حوادث آگاه است و مراقب او خواهد بود.

○ او را کمک نمود تا معنی رویا را بفهمد.

○ بیماریهایش را شفا بخشید.

اولین خود آموز کتاب مقدس مسیحیان به زبان فارسی

جبرئیل به دانیال گفت که رویا متمرکز بود بر؟(دانیال ۸: ۱۷)

○ زمانهای آخر.

○ حوادث زندگی عیسی بر روی زمین.

○ سلطنت روم و تاثیری که بر روی امت خدا خواهد داشت.

پس از آن فرشته مختصری از وقایع زمانهای آخر را برای دانیال باز گو کرد.

آن قوچ با دوشاخ معرف کدام قدرت جهانی بود؟

○ سلطنت روم.

○ سلطنت یونان.

○ پادشاهیهای ماد و پارس.

در واقع شاخ بلندتر نماد واقعیت تاریخی است که پارس بر امپراطوری ماد غالب آمد.

بز نر معرف کدام قدرت جهانی بود؟(دانیال ۸: ۲۱)

○ سلطنت روم

○ سلطنت یونان

○ پادشاهیهای ماد و پارس

شاخ بزرگ یا اولین پادشاه معرف اسکندر مقدونی است. او در اوج اقتدارش جانشین و امپراطوری او بین چهار فرمانداری کساندر و لایسیماکوس و سلوکوس و پتولمای منقسم شد. این چهار فرمانداری همان چهار شاخ در آیه ۲۲, ۸ میباشند.

نبوت و پیشگویی میگوید که یک پادشاه پس از این سلطنت ها بر خواهد خاست و او چه خواهد کرد؟(دانیال ۸: ۲۱)

○ امت خدا را ویران خواهد نمود

○ جهان را به مرحله ای خواهد رساند که خدای حقیقی را درک کنند

○ وقتی که او جنگی را با یکی از همسایگان آغاز کند بکلی مضمحل خواهد شد

آنطور که در دانیال ۷^۷آموختیم این شاخ کوچک یا پادشاهی معرف تلفیق کلیسا و حکومت یا بنوعی ترکیب شرک و ارتداد و پاپ روم است.

اولین خود آموز کتاب مقدس مسیحیان به زبان فارسی

پیشگویی میگوید که شاخ کوچک سلطنتی خواهد بود که؟ (دانیال ۸: ۲۵)

○ صلح را در روزهای آخر ایجاد خواهد کرد

○ با مکر و حيله گری عمل خواهد کرد و حتی بر علیه پادشاه پادشاهان بر خواهد خواست لیکن قدرت او شکست خواهد خورد.

اشعیا ۹: ۶ شرح میدهد که منظور از پادشاه پادشاهان همان مسیح است. در اعمال رسولان ۳: ۱۵ عیسی پادشاه زنگی و حیاتبخش نامیده شده است. بنابر این هنگامیکه این قدرت مذهبی زمینی بر علیه پادشاه پادشاهان قیام کند (دانیال ۸: ۲۵) این در واقع دعوی برابر بودن عیسی مسیح با خداست. این قدرت قربانیهای روزانه را برچید و مکان مقدس را تحقیر نمود. (آیه ۱۱). اعمال مکان مقدس (قدس و قدس الاقداس) درس مصوری از آمرزش گناهان و رستگاری توسط عیسی مسیح آن بره خدا. پس این قدرت در نقشه فیض انجیل مداخله میکند. اما توجه کنید خدا بما اطمینان میدهد. او بما میگوید که این قدرت سرنگون خواهد شد. ولی نه با دستهای بشری. در کلامی دیگر خداوند قاطعانه عمل خواهد کرد و یک حادثه فرابشری این قدرت را به زوال خواهد کشید.

در آیه ۲۶ فرشته شرح خود را خاتمه میدهد با ارجاع دانیال به رویای "شبانه روز" (یک شب و روز برابر است با یکروز). که در آیه ۱۴ در باره آن خواندیم (۲۳۰۰ روز). فرشته به دانیال میگوید که این رویا همانا حقیقت است.

واکنش دانیال به آن رویا و شرح آن چه بود؟ (دانیال ۸: ۲۷)

○ او ترغیب شده بود تا بداند که خداوند بر تمامی حوادث دنیا غالب است.

○ او از اینکه خداوند اسرار نقشه اش را به دانیال گفته بود تواضع نمود.

○ او بیهوش شد و برای روزها مریض بود.

چرا نیاز به یک حرم مطهر (قدس) بود؟

در آغاز گناهی در جهان وجود نداشت. بدین معنی که هیچکس باعث آزار و صدمه بدیگری نمیشد. هیچکس رنج نکشید مریض نشد و نمرد. متأسفانه آدم و حوا تصمیم به نافرمانی از خدا گرفتند که این کار باعث باز شدن درب بلای گناه شد. و همه رنج و مشقتها در نتیجه گناه است. خوشبختانه آدم و حوا تاسف خود را از ارتکاب به گناه اظهار نمودند. و همانجا خداوند آنان را بخشید و وعده داد که روزی کودکی بدنیا خواهد آمد و همه چیز را احیا خواهد نمود. آدم و حوا سر انجام به زمین تنزل مقام پیدا نموده تا در سراسر آن آدمیان گسترده شوند. آنان خدا را فراموش کرده و بیش از پیش در گناه غرق شدند تا آنجا که خداوند قدم نهاد تا مانع ظلم و بیداد شود و جهان را از سیل (سیل دوران نوح) مملو ساخت. همچنانکه زمان به جلو پیش میرفت مردم مجدداً شروع به تکثیر و در سراسر زمین پخش شدند. خداوند خواست تا اثبات کند که او آنان را دوست دارد. او میخواست به آنان در باره برکات تعلیم دهد. عزم بر این نمود تا محبت خود را با قومی مخصوص رد و بدل نماید. او برنامه ای ریخت تا قوم اسرائیل را بعنوان نمونه برای کل دنیا معرفی کند که چه شگفت انگیز خواهد بود پیروی از خدای آسمانها. تا اینکه مردم دیگر هم بتوانند به قوم خدا بپیوندند.

اولین خود آموز کتاب مقدس مسیحیان به زبان فارسی

مضافاً خداوند خواست تا به مردم دنیا نشان دهد که توسط بنی اسرائیل نقشه ای خواهد داشت تا داستان غم انگیز گناه را در جهان خاتمه بخشد. او میخواست به همه مردم در باره فیض و آموزش بیاموزد و در مورد امید به مسیح و منجی که روزی برای گناه بشر قربانی خواهد شد تا اینکه مردان و زنان بتوانند با خداوند حیات ابدی داشته باشند. خداوند نقشه و برنامه دارد.

خداوند حرم مطهر(قدس) را برای بنی اسرائیل طراحی نمود تا اصولی را بمردم بیاموزد. او همه جزئیات و مراحل نقشه نجات را آشکار و روشن ساخت. همه قربانیها پیشکش مسیح میشد کسیکه خون خود را برای بخشش گناهان ما خواهد ریخت. هر چیزی که در معبد عبرانیان اتفاق افتاد یک درس عملی بود. راهی برای کمک به بشر با به تصویر کشیدن و تجربه این واقعیت که گناهان آنان آمرزیده شده است.

خداوند به موسی میگوید که چطور حرم مطهر(قدس) را بسازد

بیشترین قسمت از کتاب خروج مبتنی است بر راهنماییها و آموزشی که خداوند راجع به حرم مطهر و تشریفات آن به موسی ارائه نمود. در برخی روشها معبد عبرانیان مشابه آنچه بود که امروزه به آن کلیسا میگوئیم. ولی وقتی اسرائیلیان برای عید مذهبی گرد می آمدند به داخل حرم مطهر وارد نمی شدند. آنان در حیاط بیرون اجتماع میکردند و تنها کاهن به داخل می رفت و خون قربانیها را بحضور خدا تقدیم می نمود.

خروج ۸:۲۵ در مورد لزوم هدف خدا برای برپا داشتن قدس چنین میگوید: "بنی اسرائیل باید خیمه مقدسی برایم بسازند تا در میان ایشان ساکن شوم. این خیمه و تمام لوازم آن را عیناً مطابق طرحی که بتو نشان میدهم بساز". ببینید. گناه سبب شد تا یک جدائی غم انگیز بین بشر و خالق ایشان بوجود آید. حرم مطهر(قدس) راه خدا بود تا بما نشان دهد که چطور میتواند دوباره در میان ما ساکن شود. آئین های آن آشکار میسازد که چطور خدا با ما ارتباط برقرار میکند و ما چطور میتوانیم با او رابطه برقرار کنیم. هر صبح و شب مردم میتوانستند در اطراف حرم گرد هم جمع شوند و با دعا با خدای خود ارتباط برقرار نموده و پیمان ببندند. تشریفات و آئین های حرم مطهر(قدس) فعالیت های عیسی مسیح را بعنوان کاهن اعظم مجسم نمود که در قدس آسمانی از طرف ما خدمت میکند. آن معبد عبرانی آشکار میسازد که عیسی در معبد آسمانی مشغول است و در زمین نیز ما را راهنمایی میکند و در زندگی روزانه مان ما را توانا و غنی میسازد. (عبرانیان ۸: ۱-۶)

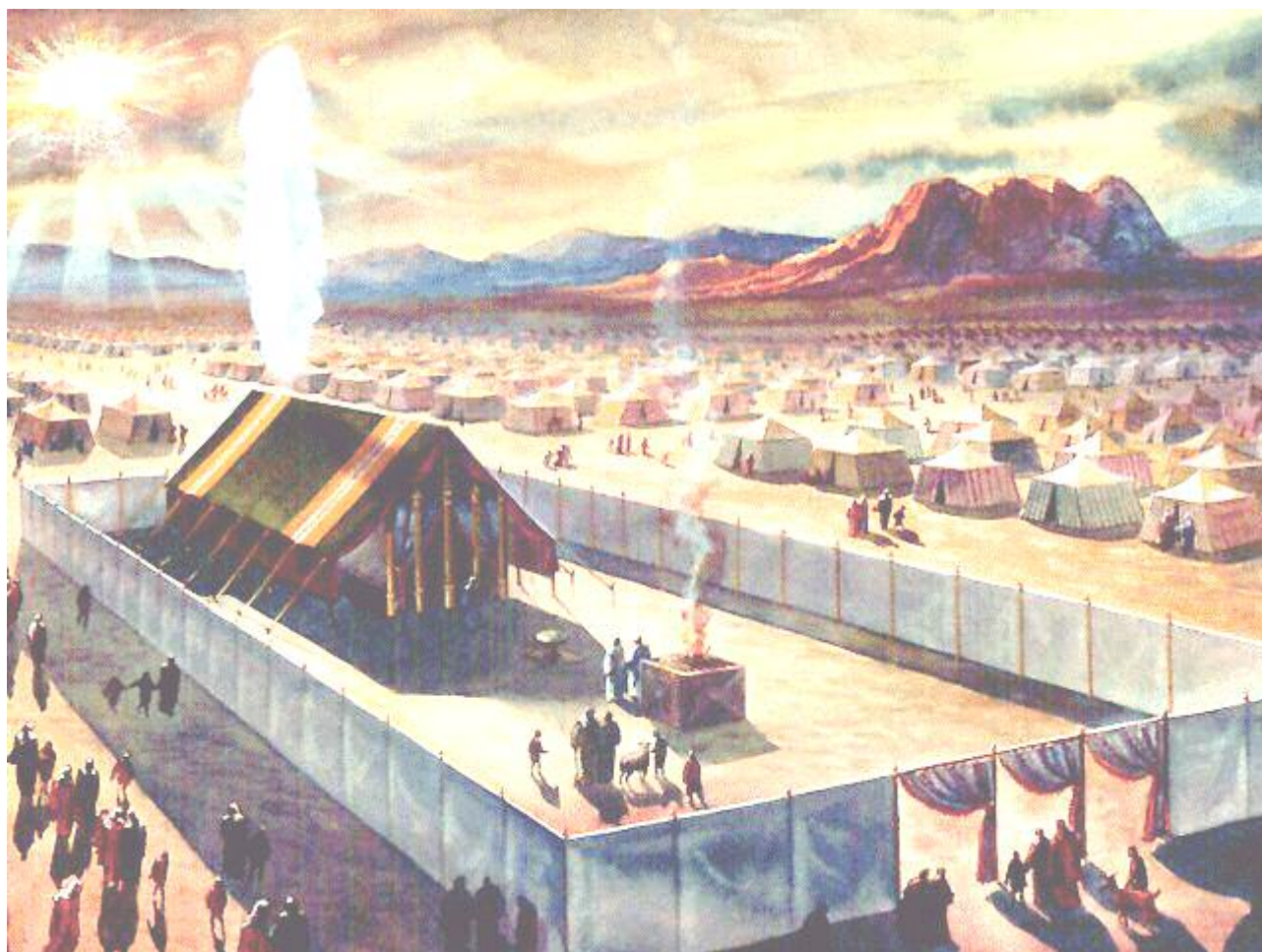
اسباب و لوازم حرم مطهر(قدس)

خروج ۲۵-۴۰ آئین و تشریفات حرم مطهر در عهد عتیق را تشریح میکند. و خروج ۱-۴۰ بما شرح مختصری میدهد.

"آنگاه خداوند به موسی فرمود: در نخستین روز ماه اول خیمه عبادت را بر پا کن و صندوق عهد را که ده فرمان در آن قرار دارد در داخل خیمه بگذار و پرده مخصوص را جلو آن آویزان کن. سپس میز را در خیمه بگذار و لوازمش را روی آن قرار بده. چراغدان را نیز در خیمه بگذار و چراغهایش را روشن کن. قربانگاه طلا را برای سوزاندن بخور روبروی صندوق عهد بگذار. پرده در ورودی خیمه را بیاویز. قربانگاه قربانی سوختنی را مقابل در ورودی بگذار. حوض را بین خیمه عبادت و قربانگاه قرار بده و آن را پر از آب کن...."

حیاط حرم مطهر

در مقابل حرم مطهر در حیاط یک قربانگاه که با فلز برنج ساخته شده بر پا بود جایی که کاهنان قربانی را تقدیم میکردند. نزدیک آن یک حوضچه بود که آنها شستشو میکردند. حرم مطهر شامل دو اتاق بود. قدس و قدس الاقداس.



قدس

در اولین اتاق یا قدس یک شمعدان هفت پایه بود که دائماً روشن بود. آن معرف مسیح بود که نور و جلوه اش بر تمام دنیا همیشه مهیاست. (یوحنا ۸: ۱۲). در نزدیکی آن میزی بود که قرصهای نان روی آن قرار گرفته بود. و نمادی از عیسی بعنوان نان حیات بود (یوحنا ۶: ۳۵) که نیازهای جسمی و گرسنگیهای روحی ما را برطرف میسازد. نزدیک پرده که دو اتاق را از هم جدا میساخت یک قربانگاه طلائی برای بخور قائم بود. برخاستن بخور معرف دعاهائی بود که به سوی خدا صعود میکرد.

قدس الاقداس

دومین اتاق یا قدس الاقداس شامل بود بر تابوت عهد. این یک صندوق ساده چوبی بود که از طلا پوشیده شده بود. اما این سمبل بارگاه خداوند بود. دریچه صندوق جایگاه رحمت نامیده میشد. آن معرف مهر و محبت خداوند بود. در قسمت پایینی

اولین خود آموز کتاب مقدس مسیحیان به زبان فارسی

جایگاه رحمت و داخل صندوق دو عدد لوح سنگی وجود داشت. اینها لوحهائی بودند که خداوند ده فرمان را با دو انگشت خود بر روی آن نوشت. واقعیت این سمبل بخشی از سبک و شیوه زندگی کسانی بود که مسیح را در زندگی خود پذیرفته اند. دو کروی طلایی با بالهای گسترده بر روی جایگاه رحمت در دو طرف تابوت عهد قرار داشتند.

در آنجا پرده ای (مستور) قدس الاقداس و قدس را از هم جدا میساخت و آن را از دیدگاه مردم پنهان مینمود در حینیکه کاهن در محوطه مشغول خدمت بود.

تشریفات و آئین حرم مطهر

لاویان از کتابهای عهد قدیم جزییات تشریفات را که در حرم مطهر انجام میشد تشریح میکند. آن آئین ها به دو بخش تقسیم شده بود. تشریفات روزانه و تشریفات سالانه. در آئین های معمولی روزانه کسی که احساس تقصیر مینمود یک قربانی می آورد از قبیل بره بمنظور رفع گناه. فرد دست خود را بر سر حیوان میگذاشت و قربانی را بر مکان قربانی سوختنی ذبح مینمود(گناه را میکشست). لاویان ۲۹:۴

پس از اینکه حیوان قربانی میشد کاهن خون قربانی را بهمراه میبرد و روی شاخهای اطراف محل قربانیهای سوختنی میپاشید. (لاویان ۳۰:۴). این خون قربانیها این حقیقت را دنبال میکرد که گناه مکافات مرگ را بهمراه دارد و اینکه گناهکار میتواند از مرگ نهائی بگریزد تنها با کس دیگری(فدیه) که بتواند بجای او فدا شود. بگذارید ببینیم که چطور کانون تشریفات روزانه حرم مطهر بر قربانی شدن مسیح تمرکز دارد. نخست حیوانی که برای قربانی بایستی آورده میشد بایستی بی عیب میبود.(لاویان ۱:۳). بخاطر این است که عیسی، مقدس و معصوم و پاک بود(عبرانیان ۷:۲۶). ثانیاً فرد مقصر در معبد گناه خود را اعتراف میکرد و بطور نمادین گناه خود را به یک حیوان منتقل مینمود. عیسی گناهان ما را بر خود گرفت. حیوان قربانی باید خونس ریخته میشد. تنها در این ترسیم میتوانیم قربانی شدن مسیح را بر روی صلیب بفهمیم.



عمل بزرگ عیسی برای رستگاری ما بارها و بارها در حرم مطهر واقع در عهد قدیم انجام شده است. قربانیها و تشریفات سالانه بر خدمات کاهن اعظم در قدس الاقداس تمرکز داشت. قربانیهای سالانه سروکار داشت با جمع شدن قربانیهای روزانه. وقتی مردم برای اقرار گناهانشان روز بروز می آمدند خون قربانیها بر روی شاخهای واقع در چهارگوشه قربانگاه پاشیده میشد.(لاویان ۴:۶-۲۱). در میان این نمادها گناهان اقرار شده مردم هر روزه بداخل حرم مطهر آورده میشد.

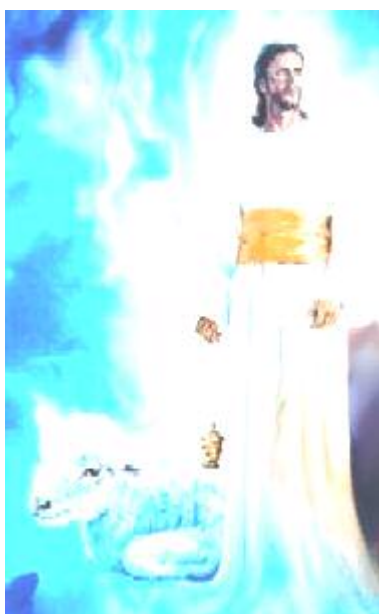
و بنابر این سالی یکبار در روز کفاره، حرم مطهر از همه گناهان اقرار شده در خلال سال گذشته تطهیر میشد.(لاویان ۱۶). در این آئین ویژه کاهن اعظم یک بز را

قربانی مینمود. کاهن اعظم خون بز قربانی شده را به قدس الاقداس میبرد و در مقابل تابوت عهد میپاشید. این سمبل دیگری از خون مسیح بود که فدیة دهنده بود آنکس که مجازات گناهان ما را خواهد پرداخت. کاهن اعظم طی این تشریفات تمامی گناهان اعتراف شده را بر چیده و دست بر سر بز مینهاد و آن بز را در بیابان رها میکردند تا بمیرد.(لاویان ۱۶:۲۰-۲۲) تشریفات سالانه روز کفاره، حرم مطهر را از گناه تطهیر مینمود. مردم آن روز رابه روز داوری عطف مینمودند. زیرا آنانیکه از اقرار به گناه سر باز میزدند و در جستجوی آمرزش بودند در این روز داوری شده واز با خدا بودن محروم میشدند (لاویان ۲۳:۲۹)

اولین خود آموز کتاب مقدس مسیحیان به زبان فارسی

کتاب عبرانیان آنچه را که کاهن اعظم بطور نمادین در هر سال انجام می داد را با فدیة عیسی مقایسه میکند که یکبار برای همیشه برای ما انجام داد. و این بما نشان میدهد که چرا مسیح در آسمان بسیار بالاتر از کاهن اعظم است. و او میتواند بما اطمینان دهد که هر شخص که ایمانش را بر مسیح بنهد میتواند از آن خدمتی که او برای ما انجام داده و میدهد بهره مند گردد. در خلال رسیدگی برای داوری وقتی که دفاتر اعمال باز میشود نام شما نیز بررسی خواهد شد. سوابق شما تعیین شده و همه گناهان شما آرمزیده خواهد شد. و بهمین خاطر است که عیسی میتواند کاهن اعظم شما باشد. او میخواهد تا شما را رستگار سازد. او میخواهد عیوب شما را که در سوابقتان موجود است برای همیشه پاک سازد. او این کار را در حرم مطهر آسمانی انجام میدهد. او گناهان اقرار شده ما را برای همیشه از ما میزداید و تمام کسانی که او رابعنوان منجی پذیرفته اند از این مزیت بهره مند میگردند. (اعمال رسولان ۳: ۱۹).

رستگاری چه برنامه خارق العاده ای است! خداوند همه آنها را بطور سمبلیک برای من و شما در کتاب مقدس نوشته است. حرم مطهر بیانگر قلب کتاب مقدس است - انجیل عیسی مسیح.



حال به عقب بازگردیم و به دانیال و عکس العمل او به آن رویا در فصل هشتم نگاه کنیم. بیاد داشته باشید که او در باره شاخ کوچک و تحقیر شدن حرم مطهر وحشت زده شد (آیه ۱۳). حال میتوانید درک کنید چرا. دانیال فهمید که قدرت شاخ کوچک سعی در مداخله در نقشه شگفت انگیز آرمزش خدا دارد در تشریفات حرم مطهر بطور نمادین حفظ شده است. با نگاهی به تاریخ میبینیم که کلیسای روم در اعصار تاریک کارهائی را با سمبل شاخ کوچک انجام داد. همه تشکیلات و ساختار همانند مسیحیت مکانیکی شد و انجیل اصیل را تیره و محو نمود. سیستم بخشش و ریاضت و آیین های پرستش خبر خوش آرمزش را مبهم جلوه نمود که تنها با فیض ممکن است. ایمانداران احساس نمیکردند که میتوانند برای آرمزش و رستگاری بطور مستقیم نزد عیسی بروند. در عوض ایمان ساده به مرگ عیسی در عوض ما - یکسری آیین های مذهبی پیچیده خلق شد. رستگاری چه برنامه خارق العاده ای است! خداوند همه آنها را بطور سمبلیک برای من و شما در کتاب مقدس نوشته است. حرم مطهر بیانگر قلب کتاب مقدس است - انجیل عیسی مسیح.

بره خدا

در خدمات حرم مطهر قربانیهایی از قبیل قوچ، گاو، گوساله، بزگاله، قمری و کبوتر وجود داشت و حتی تقدیمی های حبوبات و غلات وجود داشت. به هر حال بره جزء قربانیهای اصلی بشمار میرفت. بره در مذبح دو بار در روز تقدیم میشد. بره بهترین معرف عیسی بعنوان قربانی نهائی محسوب میشد. در واقع عهد جدید عیسی را به بره خدا معطوف میدارد. بنگرید! این همان بره ای است که خدا فرستاده تا برای آرمزش گناهان تمام مردم دنیا قربانی شود. (یوحنا ۱: ۲۹)

خدا برای نجات شما بهائی پرداخت تا شما را از قید روش پوچ و باطل زندگی که از اجداد خود به ارث برده بودید آزاد سازد بهائی که خدا برای آزادی این اسارت پرداخت طلا و نقره نبود بلکه خون گرانبهای مسیح بود که همچون بره ای بی گناه و

اولین خود آموز کتاب مقدس مسیحیان به زبان فارسی

بی عیب قربانی شد. (اول پطرس ۱: ۱۸، ۱۹). عیسی بره بی عیب خداست. او شما را بسیار دوست دارد که برای شما اشتیاق بر آن داشت که از آسمان به زمین نازل شده و برای شما قربانی شود. او خون خود را برای شما ریخت تا شما را از گناه برهاند و بیامزد. کتاب مقدس میگوید: مزد گناه موت است (رومیان ۶: ۲۳). عیسی برای ما مرد تا ما بخشیده شویم. در جایی که خدا فرزند خود را از ما دریغ نکرد بلکه او را فرستاد تا در راه همه ما قربانی شود آیا همه چیزها را بما نخواهد بخشید؟ (رومیان ۸: ۳۲). چه وعده خارق العاده ای! خدا من و شما را دوست دارد. او عیسی را به من و شما داد. خدا فرزند خود را فرستاده است نه برای اینکه مردم را محکوم کند بلکه بوسیله او نجاتشان دهد (یوحنا ۳: ۱۷). خدا شما را خیلی دوست دارد و او میخواهد هر کاری را بکند تا شما رستگار شوید.

نیایش

ای پدر حمد و سپاس بر تو باد که در طول این مدت میخواهی به من کمک کنی تا فدیة عیسی را درک نموده و آنرا همچون هدیه ای از سویت بپذیرم. ستایش بر تو باد برای نقشه نجات و هدیه رایگان آموزش و حیات جاودانی عیسی مسیح. با آغوشی باز آموزشت را در قلبم دریافت میکنم بخاطر قصور و گناهم. از تو سپاسگزارم بنام عیسی. آمین

مروری بر دانیال - خداوند گام برداشته است - بخش ششم

دانیال ۹

اصغر ریزه یکی از بچه های شر مدرسه بود. هیچکس از دستش امان نداشت. وقتی تو کلاس بود یا آدامس زیر بچه ها میذاشت یا بند کفشای نیمکت جلوئی رو بهم گره میزد یا اینکه شاهدونه با لوله خودکار به پس کله دیگران فوت میکرد. از زنگ تفریح که دیگه نگو! کمترین کارش ترقه در کردن بود... از مدرسه هم که بیرون میرفت حتما" با یکی قرار دعوا داشت. آروم نمیگرفت. همیشه شر بپا میکرد. بقالی سر کوچه باید هر چی میخواست بهش بده و آگه حتی برای همه شیر نداشت یه دونه واسه اصغر ریزه باید کنار میذاشت وگرنه شیشه مغازش پائین ریخته بود! مادرش از دستش همیشه جلز و ولز میکرد و نفرینش میکرد! میگفت الهی جایی بری که سالی یه بار ببینمت!

از مدرسه در میرفت و با بچه ها با اتوبوس دوطبقه میرفت سینما! یه روز نصف مدرسه رو با خودش برد سینما. مدیر مدرسه مات و مبهوت مونده بود که شاگردا چی شدن! یکی از بچه ها که لوس و نر بود و بچه ها بهش میگفتن آنتن به ناظم راپورت داده بود که من میدونم همشون با اصغر ریزه رفتن سینما مراد! ناظم هم که به فراش که یه پیر مرد سیاه چرده بود آدرس چند تا بچه ها رو داده بود که برو در خونشون بگو که والدینشون بیان مدرسه. روز بعد تو مدرسه محشر بپا بود. بچه هائی که زیر مشت و لقت بابا ننه مثل خمیر ورز میخوردن.

خلاصه اصغر ریزه اون سال چهار تا تجدید آورد و آخر سال قبول شدو مابقی بچه ها هم که نگو از دم رفوزه شدن!

برای سال بعد که رفت مدرسه ثبت نام کنه ناظم عوض شده بود. اول از همه پرسید اسمت چیه؟ و جواب شنید اصغر و ناظم بلافاصله گفت اصغر ریزه توئی؟ بله آق مائیم! نمیتونم اسمتو بنویسم اصغر آقا. من خیلی داستانا از ناظم قبلی از تو شنیدم.

اولین خود آموز کتاب مقدس مسیحیان به زبان فارسی

دفتردار مدرسه که مردی مسن و دنیا دیده بود پادرمیونی کرد و گفت من هم خودشو میشناسم و هم برادر و خواهرشو که قبلاً" تو همین مدرسه درس میخواندن. من ضمانتتو میکنم و خودش هم قول میده که شر بازی رو بذاره کنار! ناظم گفت بخاطر ریش سفید شما من اسمشو مینویسم! اصغر ریزه باورش نمیشد که کسی بهش اعتماد داشته باشه و بخاطرش ریش گرو بگذاره. تا حالا هیچکس اینطوری باهش مهریونی نکرده بود و بخاطرش قدمی ور نداشته بود. چنان نیروئی گرفت که در آخر سال با معدل خیلی خوب قبول شد و ناظم ازش بعنوان یکی از بهترین دانش آموزان یاد کرد.

پیام دانیال^۹ داستان کسی است که بخاطر ما و زندگی ما وساطت کرده است. مهم نیست که دیگران درباره ما چه میگویند. ممکن است از طرف دیگران مورد شماتت و حمله قرار بگیریم. ولی کسی وجود دارد که همیشه به ما اعتماد دارد و ما را شفاعت میکند. و آن فرد عیسی مسیح است. بسیار شگفت انگیز است که او همیشه طرف ما را میگیرد. در خاتمه دانیال^۸ ما پیامبر را در پریشانی و اضطراب رها کردیم. رویای پایمال شدن حرم مطهر توسط شاخ کوچک او را برای چند روز ناخوش ساخت. دانیال بما میگوید که او از این رویا مات و متحیر بوده است ولی هیچکس آن را درک نکرد (دانیال^۸: ۲۷). پس از مدتی او به کار خود در حکومت بازگشت. سیزده سال میگذرد و دانیال همچنان گرفتار رویای خود میباشد. او نمیتواند کاملاً" ملتفت شود. او شروع به مطالعه مکتوبات ارمیای نبی در ارتباط با اورشلیم نمود. اورشلیم ویران شده بود و ویرانه ها برای تقریباً" هفتاد سال رها شده بود. دانیال همه این امور را میدانند زیرا در زمان وقوع آن حوادث او جوانی بیش نبود. دانیال این کلام را در ارمیا ۲۵: ۱۰-۱۴ خواند:

"خوشی و شادی و جشن های عروسی را از شما دور خواهیم ساخت. نه گندمی در آسیابها باقی خواهد ماند و نه روغنی برای روشن کردن چراغ خانه! سراسر این سر زمین به ویرانه ای متروک تبدیل خواهد شد و شما و اقوام مجاور شما برای مدت هفتاد سال پادشاه بابل را بندگی و خدمت خواهید کرد. پس از پایان این هفتاد سال پادشاه بابل و قوم او را بخاطر گناهانشان مجازات خواهیم نمود و سرزمین ایشان را به ویرانه ای ابدی تبدیل خواهیم نمود و تمام بلاهائی را که توسط ارمیا بر ضد اقوام گفته بودم بر سر بابلی ها خواهیم آورد. بلی تمام بلاهائی که در این کتاب نوشته شده است. همانطور که ایشان قوم مرا اسیر کردند اقوام مختلف و پادشاهان بزرگ نیز آنها را به اسارت خواهند برد و من مطابق کارها و رفتارشان مجازاتشان خواهم کرد."

دانیال فهمید که هفتاد سال تقریباً" سپری گردیده است. و هنوز علامتی نیست از اینکه خداوند تحول و دگرگونی حادث



کند. نشانه ای دال بر این که عبرانیان معبد اورشلیم را دوباره احیا خواهند ساخت وجود نداشت. دانیال در مورد این رویا که در فصل^۸ گفته شد به اندیشه فرو رفت. در آنجا به او گفته شده بود که پس از ۲۳۰۰ روز حرم مطهر (قدس) احیا و ابقا خواهد شد. معنی آن چیست؟ محتملاً" دانیال با این اصل آشنا بود. در حزقیال نوشته شده بود که در بلند مدت در سمبلهای پیشگوئی کتاب مقدس یک روز برابر است با یکسال (حزقیال^۴: ۴). بعد از آن ارمیا چه پیشگوئی کرده بود؟ آیا حرم مطهر دوباره پس از هفتاد سال احیا خواهد شد؟ یا اینکه برای ۲۳۰۰ سال ویرانه باقی خواهد ماند. دانیال به پاسخی روشن دست نیافت بنابراین مصمم شد تا پاسخ را از وعده الهی که به ارمیا داده شده بود طلب کند: در آن زمان مرا خواهید

خواند و نزد من دعا خواهید کرد و من به دعای شما پاسخ خواهم دادو اگر با تمام وجود مرا بطلبید مرا خواهید یافت. بلی

اولین خود آموز کتاب مقدس مسیحیان به زبان فارسی

یقیناً" مرا خواهید یافت و من به اسارت شما پایان خواهم بخشید و شما را از سرزمینهای که شما را به آنجا تبعید کرده ام جمع کرده به سرزمین خودتان باز خواهم آورد. (ارمیا ۲۹: ۱۲-۱۴).

کاری که دانیال در زمان اضطراب و پریشانی کرد الگوی بسیار عالی برای ما خواهد بود که آنرا پیروی کنیم. وقتی در فهم کلام سرگشته شد بهمین راحتی تسلیم نشد. او برای کمک و دستگیری دعا نمود. او از خدا خواست تا پاسخ دهد. بیشتر دانیال^۹ شامل دعاهای اوست. و چه دعاهای خواندنی!

دانیال قبل از اینکه بخاطر نگرانی اش نزد خدا دعا کند چه کرد؟ (دانیال ۳: ۹)

○ او از تمام دوستانش حلالیت طلبید بخاطر کارهایی که بر ضدشان انجام داده بود.

○ کرباس پوشیده خاکستر نشین شد و روزه گرفت.

○ او به قانون خدا اندیشید.

کرباس پارچه ای خشن بود که از موی بز یا شتر درست شده بود. افراد آن را به تن کرده و خاکستر بر سر میریختند که شدت اندوه خود را ابراز کنند. روزه برای یک دوره کوتاه راهی برای پاک کردن ذهن و بهتر ارتباط برقرار کردن با خدا بود. و نوعی اظهار اشتیاق زیاد برای رشد روحانی و ارشاد و راهنمایی بود.

دانیال دعای خود را با اعتراف به گناهایش آغاز نمود. این گناهان مشتمل بود بر: (دانیال ۹: ۵-۱۱)

○ طغیان بر ضد خدا و نافرمانی از قوانین او و رد پیامبران خدا.

○ خوردن غذاهائی که به بتها اهدا شده بود و اندیشه های ناپاک و آزمندی.

○ عدم اعتماد به وعده های خدا و تقدیم نمودن قربانیها و غرور.

دانیال برای تعیین علت بلائی که اورشلیم را پر ساخته بود به پیش رفت - علت: سرسختی اسرائیلیان برای توبه بود. خداوند آنان را به فلاکت انداخت که قوم خویش را بیدار سازد تا درک کنند که برای نیازهایشان به او نیاز دارند. آیه های ۱۲-۱۴. دانیال اقتدار خداوند را بر امور بشر تصدیق نمود.

کدام واقعه پیشین را دانیال بعنوان مثالی از قدرت خداوند برشمرد؟ (دانیال ۹: ۱۵)

○ طوفان نوح

○ ویران نمودن شهرهای نابکار سدوم و غموره

○ به اسارت راندن عبرانیان توسط مصریان

اولین خود آموز کتاب مقدس مسیحیان به زبان فارسی

- دانیال اظهار نمود که طغیان بنی اسرائیل بدیگران اجازه داد تا به خدا بخندند و قدرت او را به تمسخر گیرند. (آیه ۱۶)
- دانیال از خداوند خواهش نمود تا درخواست او مورد لطف قرار گرفته و خداوند از او روی بر نگرداند. او همچنین از خداوند خواست تا حرم مطهر را بیاد آورد. (آیه ۱۷)
- دانیال دعا کرد که خداوند به او نظر کرده و او را مورد التفات قرار داده و درخواستش را بشنود نه بخاطر اینکه دانیال و بنی اسرائیل شایسته آن باشند بلکه بخاطر اینکه خداوند پر از رحمت و محبت است. (آیه ۱۸)
- دانیال دعای خود را اینچنین ختم نمود: خدایا تو سمیعی و رحیمی و در این عمل تاخیر منما!

دانیال مثال بسیار خوبی را برای پیروی ارائه نموده است. در ساعتهای پریشانی شما نشان داد که چطور آرامش خاطر داشته باشیم و دعا کنیم. دعا پادزهری برای نگرانی و اضطراب است. در دعا اطمینان حاصل میکنیم که گناهان ما بخشوده شده است. با دعا ارتباط خود را با خدا میتوانیم گسترش دهیم. بنابراین دعا کنید و با دیگران هم دعا کنید.

سارا حامله و پا به ماه بود. ساعت زایمان فرا رسیده بود. او بشدت درد میکشید. شوهرش کارمند شرکت نفت بود و برای ماموریت به خوزستان رفته بود. تنها امید سارا، خاله فاطمه بود. خاله فاطمه زنی میانسال و مهربان بود که در همسایگی سارا زندگی میکرد. در همسایگی آنها نیز یک خانواده مسیحی زندگی میکردند. کسی نبود که به داد سارا برسد. خاله فاطمه هم که نمیتوانست کار زیادی برای سارا انجام بده. سارا خونادشو در جنگ و در خرمشهر از دست داده بود و با مردی که آبادانی بود و در بوشهر با هم آشنا شده بودند ازدواج کرده بود. تنها امید سارا خاله فاطمه بود. فریاد و ناله سارا به آسمون رفت. خاله فاطمه چادر گل گلشن رو سرش انداخت و پای برهنه به کوچه دوید که بره قابله محلی رو خبر کنه. در این هنگام همسایه مسیحی سارا پیشش اومدن. یه زن و مرد مسن بودن و مرد هم یک کشیش از کار افتاده بود. تنها کاری که میتونستن واسش بکنن دعا بود و دلداری.

بالاخره قابله سر رسید و همه رو از اتاق بیرون کرد و گفت یه قابلمه آب گرم بیارین تلاش قابله بیهوده بود چون طفل مرده بدنیا اومد. سارا بشدت گریه میکرد و نمیخواست بچه رو از بغلش رها کنه. کشیش پیر گفت اجازه بده قبل از اینکه طفل را برای دفن کردن ببرند برایش دعا کنه. سارا همچنان که طفل مرده را در بغل داشت با التماس گفت برایش دعا کن. کشیش شروع به دعا کرد. دعای کشیش هنوز تمام نشده بود که طفل نفسی عمیق کشید و شروع به گریه کرد.

همه به شوق اومدن و گریه میکردن. به شوهر سارا تلگراف زدن و خودشو بعد از دو روز رسوند. اصلاً باورش نمیشد که چه اتفاق عجیبی برای بچه اش افتاده. در همون حال از کشیش میخواستن که هر روز به خونشون بیاد و برای بچشون دعا کنه. پس از هفته ای سارا و شوهرش به مسیح ایمان آورده و خود را وقف مسیح کردن و تا الان همچنان مسیح رو خدمت میکنن. شاید داستان سارا و دعای قلبی دانیال در فصل ۹ الهامی برای شما باشد تا خداوند را با روشی جدید جستجو و عبادت کنید دعا به هر زبان و در هر مکانی میتواند باشد تنها کافی است که مثل یک دوست و با تواضع نزد خداوند سخن بگوئید حالا به عیسی بگوئید که از او چه میخواهید؟

چیز قابل توجهی بوقوع پیوست در حینیکه دانیال در حال دعا بود.

در حالیکه دانیال در دعا بود چه کسی بیدارش آمد؟ دانیال ۹: ۲۱، ۲۲

اولین خود آموز کتاب مقدس مسیحیان به زبان فارسی

شدرک و میشک و عبد نغو که دوستان او بودند ○

داریوش پادشاه ○

جبرئیل ○

دانیال جبرئیل را بلافاصله شناخت او که در ابتدا پیام احیای حرم مطهر را برای دوره ای پس از ۲۳۰۰ روز داده بود.

دلیل این ملاقات چه بود؟ دانیال ۹: ۲۲، ۲۳

تشویق دانیال به داشتن ایمان قوی به خدا ○

که به دانیال بگوید که به مقام بالاتری در حکومت منسوب خواهد شد ○

تا دانیال را کمک کند که روپائی را که خدا به او داده بود به او بفهماند ○

دانیال به وجد آمده بود و دربارہ آینده یهودیان و دوره ۲۳۰۰ روز آشفته شده بود و حال فرشته ای از آسمان برای آموختن او آمده بود ماموریت جبرئیل تشریح معنی ۲۳۰۰ روز بود که دانیال در روپای اولیه از درک آن عاجز بود. دانیال ۸: ۲۶، ۱۴، ۱۳

جبرئیل شروع به تشریح نبوت ۲۳۰۰ روز نمود و در باره زمان و آینده یهودیان و شهر اورشلیم اظهار نمود

دوره محکومیت مردم یهود چه مدت بود؟ دانیال ۹: ۲۴

○ هفتاد هفته

○ هفتصد سال

○ هفت هزار سال

میتوانیم هفتاد هفته را بطریق ذیل منقسم کنیم:

هفت روز = یک هفته

۹۰ روز = ۷ روز × ۷ هفته

همانطور که قبلا اشاره شد در شکل نمادین پیشگویی کتاب مقدس یک روز برابر است با یک سال. اعداد ۱۴: ۳۴ و حزقیال ۴: ۶. اگر یک روز نبوتی پیشگویی برابر با دقیقا یکسال باشد پس ۹۰ روز برابر خواهد بود با ۹۰ سال. در زبان عبرانی کلمه "تعیین شده" بطور تحت اللفظی یعنی "قطع شده" یا قاطع و منقسم یا بریده و جدا شده. بنابر این ۹۰ روز که زمانهای سختی و آزمون برای اسرائیلیان بود باید قطع میشد اما از چه باید قطع میشد؟ پاسخ را جبرئیل در دانیال ۹ تشریح نمود. جبرئیل شروع به تشریح در باره ۹۰ سال نمود که باید از ۲۳۰۰ روز قطع یا برچیده میشد.

اولین خود آموز کتاب مقدس مسیحیان به زبان فارسی

در اینجا یکی از پاسخهای سوال دانیال را در مورد مدت ۲۳۰۰ روز میبینیم. غیر ممکن است که ۴۹۰ سال از ۲۳۰۰ روز قطع شود. از آنجا که ۲۳۰۰ روز عبارت ۶ سال میشود حل این مسئله واضح است ۲۳۰۰ روز بایستی معرف ۲۳۰۰ سال باشد.

پیشگویی بشکل زیر خواهد بود

چه وقتی زمان داده شده به یهودیان آغاز شد؟ دانیال ۲۵:۹

○ با میلاد عیسی مسیح

○ با حکم تعمیر و بازسازی اورشلیم

○ با مرگ عیسی بر روی صلیب

دانیال بایستی به وجد آمده باشد. پس از اینهمه اورشلیم بازسازی خواهد شد. او در باره آینده شهر محبوبش آموخت و همچنین آغاز ۲۳۰۰ روز/سال نبوتی را فهمید. آغاز آن با فرمان بازسازی اورشلیم خواهد بود که آن سه حکم در عزرای نبی ثبت شده است.

اولین حکم در سال ۵۳۷/۵۳۸ قبل از میلاد توسط کوروش کبیر صادر گردید حکم فوق مجوزی بود برای اسکان مجدد یهودیان در اورشلیم و به آنها اجازه داده شد تا حرم مطهر را بازسازی کنند. عزرا: ۱:۱-۱۱

حکم دوم در سال ۵۱۹ قبل از میلاد توسط داریوش هخامنشی صادر شد. اعلان او مویدی بود بر اولین حکم. عزرا ۶:۶-۱۲

سومین فرمان توسط خشایارشا در سال ۴۵۷ قبل از میلاد صادر گردید. این فرمان به عزرا و تمامی حاکمان سیاسی و مذهبی ماموریت داد تا اورشلیم را بازسازی کنند. این حکم راجع به انجام پیشگویی است که آغاز تاریخ دوره ۲۳۰۰ روز/سال میباشد.

دانیال ۲۵:۹-۲۷ را بخوانید.

مسیح آن نخستزاده یعنی عیسی، کانون و یادآور بحث راجع به ۴۹۰ سال است..

مطابق با پیشگویی چند هفته نبوتی گذشت مابین آغاز زمان معین شده برای یهودیان و ظهور مسیح؟ دانیال ۲۵:۹.

○ دو هفته بعلاوه شصت و یک هفته یا شصت و سه هفته

○ چهار هفته بعلاوه شصت و دو هفته یا شصت و شش هفته

○ هفت هفته بعلاوه شصت و دو هفته یا شصت و نه هفته

۶۹ هفته = ۶۲ هفته + ۷ هفته

۴۸۳ سال = (۷ روز هفته × ۶۹ هفته) یا ۴۸۳ روز

در کلامی دیگر اگر پائیز ۴۵۷ قبل از میلاد آغاز تاریخ پیشگویی باشد چنانچه ۴۸۳ سال را به آن اضافه کنیم به تاریخ ۲۷ پس از میلاد میرسیم. عهد جدید برای ما آشکار میسازد که عیسی رسالت خود را در زمین پس از تعمید گرفتن از یحیی در تاریخ ۲۷ پس از میلاد آغاز کرد.

اضافه کردن این اطلاعات به این نمودار بدین شکل خواهد بود.

اولین خود آموز کتاب مقدس مسیحیان به زبان فارسی

پیشگویی در مورد چه اتفاقی پس از شصت و دو هفته میگوید دانیال ۹: ۲۶

- مسیح مصلوب خواهد گردید
 - مسیح بر سراسر زمین حکمرانی خواهد کرد
 - مسیح به سوی پدر به آسمان باز خواهد گشت
- مسیح عیسی مصلوب گردید و بخاطر ما مرد.

پیشگویی در باره اینکه مسیح به مراسم قربانی پایان خواهد داد در چه زمانی این رویداد بوقوع خواهد پیوست؟

- در آغاز هفته
- در وسط هفته
- در پایان هفته

عیسی بایستی در میانه آخرین هفته نبوتی مصلوب میشد. آخرین هفته نبوتی برابر خواهد بود با هفت سال اگر شروع تاریخ آخرین هفته در سال ۲۷ پس از میلاد میبود. این واقع میشد به سال ۳۱ پس از میلاد. آیه ۲۷ بیان میدارد که مصلوب شدن عیسی در میانه هفته به ادامه قربانیها در معبد خاتمه میداد چرا؟ زیرا عیسی بره خداست کسی که معرف قربانی برای زمین میشد. عیسی برای یکبار بعنوان قربانی اعلی مرد و دیگر نیازی برای تشریفات قربانی نبود.

چنانچه عیسی در سال ۳۱ بعد از میلاد وفات نموده باشد پس سه و نیم سال نبوتی هفته ما را به سال ۳۴ پس از میلاد میرسد. مطابق با پیشگویی این تاریخ نشانی از خاتمه دوره ۴۹۰ سال است. وقتی که آن دوره پایان پذیرفت زمان آزمون قوم بنی اسرائیل پایان رسید.

مروری بر دانیال - خداوند گام بر میدارد - بخش هفتم

دانیال ۱۰-۱۲

روت در یکی از خانه های ثروتمند بعنوان خدمتکار مشغول بکار شد. دیری نپایید که فهمید خانم خانه دچار مشکلی اساسی است او برای سالها از بیماری روحی روانی در رنج و عذاب بوده و در این ضمن تنها چند قرص والیوم مسکن موقتی برای او بوده است.

او در کلیسای کوچکشان از دیگر ایمانداران خواست تا برای آن خانم دعا کنند. ولی روت زنی روحانی بود که همواره دعا میکرد روت میدانست که هیچ چیز برای آن خانم چاره ساز نیست. خانم ثروتمند و همسرش از نظر مالی مشکلی نداشتند ولی در مورد زندگی خصوصی و شخصی در گپ و دار بوده اند. آنان با کشتی کوچکشان به تمام دنیا سفر میکردند ولی وقتی باز میگشتند بدتر از قبل بودند.

پس از سه ماه دعا روزی روت صدای خانم خانه را شنید که جیغ و فریاد میکشد. روت برخاست و نزد زن رفت و گفت چرا مشکل خود را با خدا در میان نمیگذاری؟ خانم خانه با لحنی پر خاشگراانه گفت بسیار خوب خدا اگر اینقدر توانا هستی مشکل مرا

اولین خود آموز کتاب مقدس مسیحیان به زبان فارسی

حل ساز چون من ناتوانم. یک هفته بعد او خود را در کلیسای روت یافت. او با دعا تغییر کرده بود و میگریست و زانو زده میگفت متأسفم. عیسی مرا ببخش. متأسفم عیسی.

آن زن در خانه اش شروع به خواندن کتاب مقدسی کرد که روت به او داده بود. دیر وقت بود. او رفت تا قرصهایش را قبل از خواب طبق معمول بخورد. ولی چیزی به او گفت که او دیگر نیازی ندارد که قرص بخورد و پس از آن تمامی داروهایش را در کاسه توالت ریخت و سیفون را کشید. هفته بعد که شوهرش بازگشت دید که همسرش متحول شده است. او فکر کرد که تغییر فصل باعث شده که او مهربان شود. کریسمس بود ولی زندگی خانم حتی بعد از تعطیلات کریسمس هم دگرگون شده بود. شوهرش بیش از پیش متحیر شده بود. شوهر زندگی و وضع روحی همسرش را دیده بود که سال به سال بدتر شده است. ولی او گفت الان همه چیز دوباره مثل اول نو شده و حتی محبت او چنان رشد کرده که قبلاً یک چنین چیزی را بیاد نداشته است. برای آن مرد و زن گویی که خدا به زمین آمده و در خانه آنها ساکن شده و بطور عجیبی زندگی آنان را لمس نموده است. خدا به همه ما التفات دارد و یکی از راههایی که او بما پاسخ میگوید از طریق دعاست. وقتی دعا میکنید به خدا اجازه میدهید که برای شما کار کند خداوند خود را به ما تحمیل نمیکند او به ما اختیار داده است. درخواست ما از خدا قدرت آسمانی را در زندگی شخصی ما نمودار میسازد. حتی وقتی نتیجه را بطور آشکار و آنی نمیبینیم میتوانیم با آرامش مطمئن باشیم. خدا برای ما کار میکند. این اصلی بزرگ و شگرف است که در فصل دهم دانیال بطوری شاخص بیان شده است.

دانیال برای چه مدت در مورد رویایی که دیده بود ماتم گرفت؟ دانیال ۲،۱:۱۰

○ سه روز

○ سه هفته

○ سه ماه

دانیال در باره ۴۹۰ سال نبوت در خصوص مردمش می اندیشید. او حالا پیشگویی را فهمیده بود و بسیار نگران شده بود. زیرا برخی قدرتها بر ضد یهودیان برای درخواستشان در مورد بازسازی اورشلیم و معبد مقدس برخاسته بودند. در این خصوص میتوانی در کتاب عهد عتیق بخوانید.

دانیال چطور نسبت به این بحران واکنش نشان داد؟ او دعا نمود. این زمینه و الگوی زندگی بود. او در این مدت که به سختی دعا میکرد روزه گرفت. دانیال احتمالاً کمی غذای ساده خورد و از هر چیز که ممکن بود در ذهنش در مکالمه با خدا خدشه ای وارد کند پرهیز کرد. آیه ۲،۳ بما میگوید که دانیال این کار را برای سه هفته کامل انجام داد. او مرد استقامت و اصرار بود.

پس از سه هفته دعا و روزه دانیال و چندی از دوستانش در کنار رود دجله مشغول صحبت بودند. آنان از هوای تازه و آفتاب لذت میبردند. در آن زمان دانیال ۹۰ ساله بود احتمالاً برای پیاده روی بیرون رفت. بدون هیچ مقدمه و آگهی قبلی نوری شدید نازل شد و دانیال و دوستانش را در حضور خدا احاطه نمود. دوستان دانیال با وحشت فرار کردند و بدنبال مکانی برای اختفا میگشتند. دانیال احساس ضعف کرد و صورتش مانند میت رنگ باخت. او تجربه اش را مثل خوابی عمیق بیان کرد. در این واقعه او شنید که شخصی تکلم میکند. آیه ۴-۹

دانیال در مورد چیزی که در کنار رود دجله بر او ظاهر شد چه میگوید؟ دانیال ۶،۵:۱۰

○ چشمان او و دستان و پاهایش مانند شعله های مشعل میدرخشید. او با پارچه کتان پوشیده شده بود و کمربندی طلائی داشت رنگ او برنزه بود.

○ او سه برابر مردان معمولی ارتفاع داشت صدایش مانند آبشار بود و بدنش مانند رنگین کمان میدرخشید

○ او به قبای طلائی ملبس بود موهایش بلند و بر روی شانه هایش بود و از دستان و پاهایش نور متصاعد میشد

این تشریح همانند شرح مسیح در مکاشفه ۱ بود که بعداً در این سری دروس مطالعه خواهیم نمود.

اولین خود آموز کتاب مقدس مسیحیان به زبان فارسی

واکنش یوحنا در مکاشفه خیلی مشابه واکنش دانیال در اینجاست.

ناگهان دانیال احساس کرد که دستی او را لمس نمود او بر روی زمین فرو ریخت. چه کسی با این تجربه نخواهد لرزید؟

این پدیده به چه چیزی معطوف میشود؟ دانیال ۱۰:۱۱

- مردی که در آسمانها بعنوان پیامبری بزرگ شناخته شده است
- مردی که قاضی عادل است و حکمت عظیم دارد
- مردی که بسیار محبوب بود و بسیار محترم شمرده میشد

دانیال فردی "بسیار محبوب" خوانده شده است. و دوباره در آیه ۹ و همچنین در دانیال ۲۳:۹ در این مورد میخوانیم. اغلب دوستان و یا همسران یک چنین القابی به یکدیگر میدهند. عبارات تکریمی و احترام وجود دارد که بیانگر علاقه و عاطفه است. خدا به دانیال بدیده فرد عزیز و کسیکه بسیار محبوب است مینگرد. ولی آیا فهمیده اید که دقیقا خدا بدینگونه بشما نظر میکند؟ اول یوحنا ۳-۱ را بخوانید. پدر آسمانی شما رستگاری و نجات را برایتان طراحی کرد زیرا شما بسیار نزد او عزیز و محبوب هستید. عیسی از آسمان به زمین آمد و برای گناهان شما مرد زیرا او شما را خیلی دوست دارد. برای اندیشیدن: چه احساسی خواهید داشت اگر بدانید که خدا نام مخصوصی برای شما دارد؟ فرشته گفت که دعای دانیال در همان بار اول که به آسمان سخن گفت شنیده شد.

چرا وقتی دانیال دعا کرد و دعایش شنیده شد به محض شنیده شدن اجابت نشد؟ دانیال ۱۰:۱۲، ۱۳

- خداوند صبر کرد تا اینکه دانیال از جدی بودن مسئله آگاهی یابد
- شیطان با فرشته خدا برای بیست و یک روز مقاومت کرد
- خداوند نمیتوانست بدعای دانیال پاسخ گوید تا زمانیکه دانیال به گناهان زندگیش اعتراف نماید

وقتی دانیال دعا کرد فرشته های شیطان به جدال با فرشتگان آسمانی خدا در آمدند. این فرشتگان شریر در جدال بودند تا همچنان کنترل موقعیت را در دست داشته باشند و میجنگیدند تا بر مردمی نفوذ داشته باشند که دانیال برایشان دعا مینمود. این خلاصه در پشت صحنه نبرد فرشتگان، نمایانگر این است که ما تنها برای گوشت و خون نمیجنگیم. بلکه بر علیه روسای قدرتها و ضد شیطان و فرشتگانش و همپیمانانش می ستیزیم. افسسیان ۶:۱۲. داستان دانیال ما را تشویق میکند که در دعاهایمان اصرار بورزیم. ما نیز نقشی در در گیریهای عرش آسمان داریم. دعاهای ما تاثیر بسزائی در برابند و نتیجه وقایع دارد. پس ما باید دعا کنیم. حتی اگر پیروزی نصیبمان نشود. با ایمان دعا کنید. بدعا ادامه دهید زیرا خدا نهایتا همه چیز را در کنترل دارد.

شاید الان یک نیاز شخصی داشته باشید. شاید بخواهید که خداوند کمکتان کند. شما میتوانید دعا نموده و دعای ذیل را تکرار کنید و یا خودتان دعائی داشته باشید.

ای پدر میدانم که به دانیال در مورد بحرانی که هزاران سال پیش داشت کمک کردی و ایمان دارم که تو هنوز بما کمک میکنی. لطفا هم اکنون به من کمک کن. متشکرم که دعایم را میشنوی و اجابت خواهی نمود. بنام عیسی میطلبم. آمین.

چرا فرشته به دانیال ظاهر شد: دانیال ۱۰:۱۴

- برای تشریح واقعه ای که در آینده بوقوع خواهد پیوست

اولین خود آموز کتاب مقدس مسیحیان به زبان فارسی

- برای تشریح این مطلب که چرا خدا نمیتوانست فوراً به دعایش پاسخ دهد
- برای شرح آنچه که خدا از او میخواهد تا برای رهایی مردم یهود از بابل انجام دهد

دانیال کلام آشنا را یکبار دیگر شنید. "آمده ام تا تو را ملتفت نمایم". چه چیزی را میخواهد بفهماند؟ برای درک برخی وقایع کلیدی در روزهای آخر. به دانیال جلوه های دیگری از آینده داده شد. این تصویر نبوتی همان روایی را که در فصلهای بعدی گفته شده بود تشریح میکند. اما دوباره این تصویر خاص جزئیات گوناگونی را آشکارتر میسازد. قبل از اینکه به این جزئیات در فصلهای ۱۲، ۱۱ نگاه کنیم بایستی یک بازنگری از یک اصل کلیدی از فصل ۱۰ را داشته باشیم. فصل دهم شرحی از درگیری در آسمان بین خدا و شیطان است. دانیال بخاطر ما دعا کردو شیطان در کار فرشته خدا که برای اجابت دعا فرستاده شده بود دخالت کرد. بیست و یک روز جدال بطول کشید. و بنوعی یک کارزار بود. در درس بعدی در کتاب مکاشفه خواهیم آموخت که چطور شیطان آزادانه بر علیه خدا به طغیان پرداخت. و یک جنگ واقعی در میانه آسمان بوقوع پیوست. آن نبرد کهن شروع گناه در جهان را روشن میسازد. و بما کمک میکند تا در باره اینکه چرا شیطان با شور و بلوا امروزه بر علیه خدا میجنگد توضیحی داشته باشیم. شیطان بسختی تلاش میکند تا در کار خدا مداخله کند. او میخواهد که کمکهای خداوند بشما برسد. او با ناامیدی میخواهد تا شما باور کنید که خدا بشما کمک نخواهد کرد. ولی شما باید به تضمینی که خدا بشما داده است متوسل شوید. پدر آسمانی شما اشتیاق دارد تا در زمان نیاز و تنهایی و خشم و نومیدی به شما کمک کند. او میخواهد در کنار شما باشد هنگامی که بیماری قلبی یا سرطان و یا ایدز رنج میبرید. او میخواهد تا در کنار شما باشد زمانیکه مورد بی مهری و ظلم قرار دارید. بیاد داشته باشید که آخرین حرف - حرف خداست. مرگ مسیح بر روی صلیب باعث شکست مطلق شیطان شد. و این امر باعث قویتر شدن ایمانداران به عیسی شد هنگامی که عیسی با بیرحمی تمام مرد و دوباره از میان مردگان زنده شد. و این لحظه ای بود که شیطان حرف دیگری نداشت.

آخرین آیه های فصل دهم دانیال نشان میدهد که فرشته در باره وقایع روزهای آخر با وی سخن میگوید. بگذارید مرور بیشتری بر این تصویر جدید نبوتی داشته باشیم که در فصلهای ۱۲، ۱۱ اشاره شده است. این به وقایعی اشاره دارد که قبلاً "آنها ملاحظه کردیم. ما نماد هایی را میبینیم: امپراطوری ماد و پارس و وقایع مرتبط با امپراطوریهای یونان و روم. بعضی نکات اصلی را مورد آزمون قرار خواهیم داد. یک نمای منحصر بفرد از این تصویر نبوتی متمرکز بر جزئیات است تا دورنما و چشم انداز. ممکن است متعجب شده باشید که چرا خدا همان مطلب قلبی را پوشش میدهد. ولی با رویاهای نبوتی مختلف و با جزیی تغییر. عیسی پاسخ بسیار خوبی به آن سوال در یوحنا ۱۴: ۲۹ میدهد. "من همه چیز را از پیش به شما گفتم تا وقتی واقع میشود به من ایمان آورید. در کلامی دیگر تکمیل و اجرای نبوت "پیشگویی" بما کمک میکند تا در ایمان و اعتماد به خدا رشد کنیم. پس خداوند خواست تا این تصاویر نبوتی بنمایش در آید.

کدام دو پادشاهی موضوع این نبوت هستند؟ دانیال ۲، ۱: ۱۱

- بابل و روم
- روم و یونان
- پارس و یونان

سابقه تاریخی اشاره میکند که چهار پادشاهی اشاره شده در این آیه ها عبارتند از:

- کامبیز (۵۲۲-۵۳۰ قبل از مسیح)
- اسمردیس کذاب (۵۲۲ قبل از مسیح)
- داریوش اول (۴۸۶-۵۲۲ قبل از مسیح)
- خشایار شاه (۴۶۵-۴۸۶ قبل از مسیح)

اولین خود آموز کتاب مقدس مسیحیان به زبان فارسی

همانطور که آیه دوم اشاره نمود خشایارشا ب مدت چهار سال اسلحه ذخیره نمود و ارتشی تدارک دید. ارتش او در یونان رژه رفت ولی در جنگ شکست خورد.

پادشاهی که ماد و پارس را سرنگون ساخت چه صفاتی داشت؟ دانیال ۴:۳، ۱۱

○ او مقتدر بوده و در قلمرو عظیمی حکومت خواهد کرد و هر چه که اراده کند خواهد نمود

○ او مغرور و مکار و بیرحم خواهد بود

○ او با خدعه و نیرنگ و ناراستی حکومت خواهد کرد

یونانیان با این فرمانده نظامی به شور و هیجان آمده بودند. فرماندهی که آنان را برای پیروزی بر امپراطوری پارس رهبری مینمود. آینده روشنی برای اسکندر ۳۲ ساله در انتظار بود. اما همچنانکه او در حال بازسازی پایتخت امپراطوری جدید بود بیمار شد و مرد. دودمان اسکندر با تولد پسرش باقی ماند و همچنین توسط برادر ناتنی اش فیلیپ. فرماندهان اسکندر پسر و برادرش را نادیده گرفتند و امپراطوری را بین خود تقسیم کردند. همانطور که کتاب مقدس در آیه ۴ اشاره نمود پادشاهی یونان به چهار قطعه تقسیم شد (چهار بال) - کاساندر غرب را گرفت. لایسیماکوس شمال را برداشت. سلیوکوس شرق را اشغال نمود و پتولمای بر جنوب چیره شد.

عبارت پادشاه جنوب و پادشاه شمال اغلب در فصل ۱۱ ظاهر میشود. در این نمونه آنان ارجاع میشوند به کسانی که اداره کردن بر قلمروهای منقسم شده یونان را بعهده داشتند. شاه جنوب - پتولمای - بر مصر حکم راند. شاه شمال که سلیوکوس بود فرماندهان رقیب را سرنگون ساخت. قلمرو او عوض شد در حالیکه نبردها شدت گرفت اما آن حوزه عظیم از دریای آئیجیان تا هند گسترش یافت. همه پادشاهان مصر (جنوب) نام پتولمای را بدوش میکشیدند. همه حاکمان شمال یا نام سلیکیوس یا نام آمتیکوس را بر خود داشتند. در کتابهای تاریخ آنان یا با شماره ای به نامهای خود موصوف میشدند یا نام دومی به آنان در آن حکمرانی واگذار میشد.

یک داستان جذاب بشری نشان میدهد که خداوند چه جزئیات خارق العاده ای را در باره آینده آشکار میکند.

دانیال ۶:۱۱ را بخوانید.

در حدود سال ۲۵۰ قبل از مسیح پتولمای سلطان مصر و آنتیکوس فرمانروای سوریه تلاش بر تضمین صلح بین دو کشور خود نمودند بواسطه ازدواج برنیک با شاه آنتیکوس. برنیک دختر فرمانروای پتولمای بود.

چند سال پس از آن بین پادشاه مصر و پادشاه سوریه پیمان صلح بسته خواهد شدو برای تحکیم این پیمان دختر پادشاه مصر به عقد پادشاه سوریه در خواهد آمد. (آیه ۶).

تنها یک مشکل برای تهیه مقدمات وجود داشت - آنتیکوس (آنتیوخوس) قبلاً ازدواج کرده بود. او همسر خود لائودیک را طلاق داد. ازدواج جدید صورت پذیرفت و پسری بدنیا آمد. ولی پس از مدتی آنتیوخوس دریافت که همسر اول خود لائودیک را بیش از عروس جدید دوست دارد. پس از اینکه پدر زن جدیدش پتولمای (بظلمیوس) مرد، او برنیک را طلاق داد و همسر قبلی خود لائودیک را دوباره آورد. به هر حال بی اعتمادی لائودیک نسبت به شوهرش آنتیوخوس رشد کرده بود. او از مقام درباری خویش سود جست و با یک دسیسه آنتیوخوس و برنیک و همراهان برنیک و پسرش را به قتل رساند. بطور کل داستان زشت و زننده ای است. ولی چیز متحیرکننده این است: کتاب مقدس این وقایع را سیصد سال قبل از وقوع پیش بینی کرده بود. و بما میگوید که خداوند به آینده مینگرد. خداوند به قلبها نگاه میکند. خداوند جزئیات را دیده است. او تمامی صدماتی را که بشما

اولین خود آموز کتاب مقدس مسیحیان به زبان فارسی

وارد می آید را ببینید. او غم و اندوه همه را که عزیزی را از دست داده اند میدانند. او درباره دردهای شما واقف است. هنگامی که بشما بدرفتاری میکنند و بشما دشنام میدهند خدا ناظر است. اگر به او اجازه بدهید خداوند به اعماق قلبهای شما نفوذ کرده و به شما آرامش و آسایش خواهد بخشید. همچنانکه فصل یازدهم را ادامه میدهیم جزییاتی را در باره امپراطوری روم کشف می کنیم و همچنین کارزاری بین پادشاه شمال و جنوب. این جزئیات منتج به حمله بر امت خدا گردید. آنان تصویر دیگری از درگیری بر علیه امت خدا را که در فصلهای پیشین شرح داده شد خلق کردند(از قبیل دانیال ۸،۷). برخی از این مراجع موازی از قبیل زیر است:

● آیه ۲۱: یک شخص شرور

● آیه ۲۲: حاکم عهدو پیمان

● آیه ۲۸،۳۰: قلبش او را بر ضد پیمان مقدس وا میدارد

● آیه ۳۱: حرم مطهر(قدس) را بی حرمت میسازد- مانع تقدیم قربانیهای روزانه خواهد شد و بتی در خانه خدا برپا خواهد نمود.

● آیه ۳۳: بعضی مردم در آتش اونداخته خواهند شد و برخی دیگر با شمشیر کشته و بعضی نیز زندانی و غارت خواهند شد.

● آیه ۳۶ واژه های مشابهی بکار میبرد که در فصلهای ۸،۷ راجع به قدرت "شاخ کوچک" خواندیم.

پیشگویی در باره عمل پادشاه شمال چه میگوید؟(دانیال ۱:۳۶)

○ او هنگامی که به پادشاه شمال حمله کند شکست خواهد خورد.

○ او اراده خویش را دنبال خواهد کرد و خود را تمجید خواهد نمود. کفر خواهد گفت و کامیاب خواهد شد.

○ او به تمام جهان اعلان خواهد نمود که او فردی الهی است و کامیاب.

فصل ۱ به اوج نمایش خود میرسد با حمله نهایی بر علیه امت خدا. اما خبر خوب اینکه خداوند پیروانش را به ظفر مطمئن ساخت. و همه کسانی که عیسی را دوست دارند استیلا خواهند یافت.

نهایتاً چه بر سر پادشاه شمال خواهد آمد؟(دانیال ۱:۴۵)

○ کار او بدون اینکه کسی او را مدد کند به اتمام خواهد رسید.

○ او توسط پسرانش خواهد مرد و توسط مردمانش تجلیل خواهد شد.

○ او حتی توسط متحدانش خوار و تحقیر خواهد شد.

فورا" در ادامه این توضیح فصل دوازده لیستی از وقایع نهائی در تاریخ روی زمین را ارائه خواهد نمود. همانطور که خواهیم دید پیروزی در عیسی شعار داده خواهد شد.

اولین خود آموز کتاب مقدس مسیحیان به زبان فارسی

وقتی که میکائیل برخیزد چه وقایعی بر روی زمین رخ خواهد داد. (دانیال ۱۲:۱)

○ یک تگرگ عظیم یکسوم از زمین را نابود خواهد کرد.

○ دنیا برای سه هزار سال آرامش خواهد داشت.

○ زمان عظیم سختی برای زمین خواهد بود سهمناک تر از آنچه که قبلاً" بوده است.

چه چیز دیگری در آن زمان واقع خواهد شد؟ (دانیال ۱۲:۱-۳)

○ مردگان قیام خواهند کرد

○ هفت بلا بر زمین فرود خواهد آمد

○ شریران شانس دیگری خواهند یافت تا توبه کنند.

قیام مردگان واقعه ای حتمی است. عیسی از قبر در آمده و دوباره زنده شد - و عید پاک بهمین خاطر است. توجه کنید که مرگ همچون خواب نامیده شده است. بدین معنی که مرگ دائمی نیست. دائمی نیست زیرا خدا میتواند ما را برخیزاند. او میتواند ما را از مرگ بیدار کند بهمان سادگی که یک دوست ما را از خواب بیدار میسازد. مرگ بطور ساده یک توقف و مکث کوتاه است قبل از اینکه برخیزیم و با عیسی برای همیشه باشیم. به این کلام گوش کنید که توسط پولس برای ایمانداران تسالونیکا نوشته شده: و اینک برادران عزیز میخوایم که شما از وضعیت ایماندارانی که میمیرند آگاه باشید تا وقتی کسی از شما فوت می کند شما نیز مانند آنانی که امیدی به آینده ندارند در غم و غصه فرو نروید. زیرا که ایمان داریم عیسی مرد و پس از مرگ زنده شد باید یقین داشته باشیم که بهنگام بازگشت او خدا تمام مسیحیانی را که مرده اند همراه وی به این جهان باز خواهد آورد. این را من از جانب خدا می گویم: ما که هنگام بازگشت مسیح خداوند زنده باشیم زودتر از مردگان به آسمان نخواهیم رفت. زیرا صدای فرمان الهی و آوای تکان دهنده رئیس فرشتگان و نوای شیپور خدا شنیده خواهد شد و ناگاه خود خداوند از آسمان به زمین خواهد آمد. آنگاه پیش از همه مسیحیانی که مرده اند زنده خواهند شد تا خداوند را ملاقات کنند. پس ما که هنوز زنده ایم و روی زمین باقی هستیم همراه ایشان در ابرها رفته خواهیم شد تا همگی خداوند را در آسمان ملاقات کنیم و تا ابد با او باشیم. پس با این سخنان یکدیگر را تشویق کنید و تسلی دهید.

چه وعده باشکوهی! وقتی که مسیح بیاید گناه و مرگ دیگر نخواهد بود. عزیزان شما- مادر و پدر و فرزند یا بهترین دوست شما مجدداً" شما را در آغوش خواهند گرفت. شما در آن صورتها دوباره خواهید نگریست و به یکدیگر لبخند خواهید زد. شما داستان یکدیگر را خواهید گرفت. عیسی وقتی که بیاید این چیزها را ممکن خواهد ساخت. چه روز باشکوهی خواهد بود!

وقتی که رویا به پایان رسید دانیال در مورد کتابی که نوشت چه گفت؟ (دانیال ۱۲:۴)

○ او آن مکتوب را برای پادشاه ماد و پارس فرستاد

○ او کتاب را مهر و موم کرد تا ایام آخر فرا برسد

○ او میخواست آنرا برای یهودیان بخواند و شرح ماوقع را به آنان بگوید

اولین خود آموز کتاب مقدس مسیحیان به زبان فارسی

کتاب باید مهر و موم میشد تا ایام آخر فرا برسد. و برای این بود که مردم پیشگویی را بفهمند (دانش افزایش خواهد یافت). در آیه ۶ سوالی پرسیده شد. برای چه مدت این عجایب بوقوع خواهد پیوست؟ با کلامی دیگر چه زمانی این نبوتها فهمیده خواهد شد؟

دانیال چه مدت زمانی را شنید که وقایع نبوت به اتمام برسد؟(دانیال ۵:۱۲-۷)

○ زمانی و دو زمان و نصف زمان

○ دوهزار و هشتصد سال

○ شصت و نه هفته

زمانی و زمانی و نصف زمان . این عبارت را قبلاً دیده ایم. در مطالعه دانیال ۷:۲۵ آموختیم که آن ارجاع شد به ۱۲۶۰ سال و دوره زمانی بین ۵۳۸ بعد از میلاد و ۱۷۹۸.

دانیال میخواست تا نبوت را بهتر بفهمد ولی به او گفته شد که چکار کند؟(دانیال ۱۲:۹)

○ به او گفته شد که برای درک بهتر دعا کند

○ به او گفته شد که براه خود برود و صبر کند زیرا نبوت بسته شده و مهر و موم شد تا ایام آخر

○ به او گفته شد تا با رهبران یهود بحث کند تا اینکه کاملاً آنرا بفهمد

به دانیال گفته شد که دو نبوت بایستی انجام شود قبل از اینکه خدا امور را از دنیا برچیند.

آن دو چنینند:

الف) پیشگویی ۱۲۹۰ روز (آیه ۱۱)

ب) پیشگوئی ۱۳۳۵ روز (آیه ۱۲)

هیچ شروع و خاتمه ای در باره این پیشگوئیهها داده نشده است. هیچ واقعه خاصی به آنان ضمیمه نشده است. به هر حال بسیاری از محققان ایمان دارند که آنها به موازات ادوار تاریخی پوشش داده شده اند با ۱۲۶۰ سال و ۲۳۰۰ سال پیشگویی.

به دانیال چه واقع خواهد شد قبل از اینکه نبوتها کامل شوند؟(دانیال ۱۲:۱۳)

○ او خواهد خفت(مرد) و سپس قیام خواهد نمود.

○ او به اورشلیم بازگشته و نوسازی شهر را خواهد دید

○ او توسط یونانیان وقتی که امپراطوری پارس را تسخیر کنند اسیر خواهد شد

اولین خود آموز کتاب مقدس مسیحیان به زبان فارسی

دانیال احتمالاً" در باره وقایع نگران بود. ولی او مرد ایمان بود. او میدانست که خدا بر همه چیز مسلط است. همان خدایی که در چاه شیران از او حفاظت کرد به او رویاهای شایان توجهی داد — این خدا آینده را نیز در دست دارد.

آیه ۱۲ بیان میدارد: متبارک باد هر که صبوری پیشه کند. در کلامی دیگر وقتی زندگی سخت میشود نگران نباشید. بخاطر اینکه هنوز عیسی نیامده است اندیشناک مباشید. برکت عظیمی در صبوری وجود دارد. پاداش بزرگی برای کسانی که در امید هستند خواهد بود.

برای تفکر: در باره آمدن عیسی بروی زمین چه دوست دارید بگویند؟

جنگهای دهه اخیر به پایان رسید. سربازانی که تا ساعتی قبل منتظر دستور حمله بودند حال با خیال راحت خود را از کمینگاهها بیرون آمده و بدون ترس خود را به سربازان نیروهای متقابل نشان میدهند. حتی سربازان وارد مرزهای یکدیگر شده و به شادمانی و سرور پرداختند و آنانی که تا چندی قبل دشمن بودند حال به هم یادگاری میدادند. چه روز باشکوهی بود که جنگ به پایان رسید! همه آنانی که منتظر بازگشت پرجلال عیسی مسیح باشند یک چنین تجربه خوشی را خواهند چشید. ولی خوشی آنان به حد اعلی خواهد رسید. منجی آنان پر جلال از آسمان نازل خواهد شد. و او طلیعه یک جهان کامل و در صلح و سلامتی خواهد بود. او پادشاهی محبت را تا به ابد برقرار خواهد ساخت.

چرا الان دعا نمیکنید؟ خداوند میثنود و منتظر است.

نیایش

ای پدر. با همه چیزی که هستم و هر چه دارم و تمام آرزوهایی که میخواهم باشم همه را به تو میسپارم. مرا در قالب هر آنچه تو خواهی در آور و آنطور که برایم در زندگی طرح ریزی کرده ای در آور. من میخواهم فرزند تو باشم و تا ابد با تو زندگی کنم. بنام عیسی درخواست میکنم. آمین